



معاونت فرهنگی و اجتماعی

توسعه پایدار
بلاهای طبیعی
نقد اقتصاد رفتاری
چرایی ارتکاب جرم از منظر اقتصاد
اقتصاد رفتاری در مسیر توسعه صنعت بیمه

shahrood student
scientific periodical



گازنامه علمی دانشجویی شاخص، سال هفتم، شماره یازدهم، تابستان ۱۴۰۲ | قیمت ۵۰/۰۰۰ تومان



بیت‌نامه

گاهنامه علمی دانشجویی شاخص
سال هفتم، شماره یازدهم، تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز:
انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

مدیرمسئول:
محمدامین رفعتی

سر دبیر:
امیررضا نوبخت

هیئت تحریریه:
علی ارومیه‌ای، امیررضا نوبخت، آيسان عدل‌زاده، فاطمه جمور،
سبحان خسروی‌زاده، بهینا فتوحی، مبین حیران، سیده زهرا صید

ویراستاران:
امیررضا نوبخت، حسن برادران افتخاری، سبحان خسروی‌زاده، آيسان عدل‌زاده،
علی ارومیه‌ای، محمدامین رفعتی
طراح جلد و صفحه‌آرا:
محمدجواد محسنی

آدرس:
تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی،
طبقه همکف، جنب آموزش تحصیلات تکمیلی

راه‌های ارتباطی:



Shakhesjournal



@Shakhesjournal



Shakhes.sbu@gmail.com

کد پستی:
۱۹۸۳۹۶۳۱۱۳

سخن سردبیر

امیررضا نوبخت

تعارف‌های گمرکی محیط
زیستی می‌توانند متحول‌کننده
باشند

سبحان خسروی‌زاده

تغییرات اقلیمی، رشد
اقتصادی، سرمایه‌داری و
دولت؛ چه باید کرد؟

علی ارومیه‌ای

چرایی ارتکاب جرم از منظر
اقتصاد

سیده زهرا صید

بلايای طبیعی

بهینا فتوحی

اقتصاد رفتاری در مسیر
توسعه صنعت بیمه

فاطمه جمور

توسعه پایدار

امیررضا نوبخت

در باب نقد اقتصاد رفتاری

آيسان عدل‌زاده

مبین حیران

این نشریه براساس مجوز شماره ۵۵۰/۱۵۶/د با حمایت کمیته ناظر
بر نشریات دانشگاه شهید بهشتی تدوین شده است.

سخن

هفت سال و ۱۱ شماره از آغاز فعالیت گاهنامه شاخص گذشت ، اما رساله همچنان پابرجاست . شاخص همواره در تلاش بوده تا کمکی باشد به جامعه دانشجویی در راستای تحقق اهداف و آرمان های علمی و اجتماعی . در این شماره تصمیم گرفتیم که تاکید دیگری داشته باشیم بر اقتصاد رفتاری و محیط زیست که توجه کمتری در جامعه علمی ما به آنها شده . هدفمان از انتخاب این دو موضوع آشنایی بیشتر دانشجویان با فضای نسبتاً جدید اقتصاد رفتاری و ایجاد انگیزه ای برای تحقیقات و گسترش دامنه اطلاعاتی علاقمندان است .

از آنجا که اقتصاد محیط زیست نیز به یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث جامعه علمی تبدیل شده و اما متأسفانه در کشور ما توجه چندانی به آن نمیشود قرار بر آن شد که همانند شماره قبل به این موضوع بپردازیم .

ضمن عذرخواهی بابت تاخیر یکساله در انتشار این شماره در تلاشیم تا در آینده با سرعت و کیفیت بیشتری به بررسی موضوعات تخصصی و گسترده تر اقتصادی بپردازیم . ۱۱ امین شماره شاخص را با کوله باری از تجربه و خاطرات تقدیم شما میکنیم .

ارادتمند

امیررضا نوبخت

چرا

توسعه پایدار

امیررضا نوبخت | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

توسعه به چه بهایی؟

با صنعتی شدن اقتصاد و رشد روزافزون تولیدات و ابداعات کیفیت زندگی هم افزایش یافت. زندگی راحت تر شده بود و سطح سواد، میزان مطالعه، کیفیت بهداشت و درمان، حمل و نقل، کشاورزی و می توان گفت تمامی استانداردهای زندگی بهبود چشمگیری پیدا کرد.

اما کسی به بهای آن توجهی نداشت و آن بها آلودگی تنها خانه ما یعنی زمین بود.

ما با تولیدات بی وقفه و بدون حدود مرز درگذشته آسیب های بسیار زیادی به طبیعت وارد کردیم از وارد کردن گازهای گلخانه ای به اتمسفر گرفته تا جنگل زدایی و آلودگی های اقیانوس ها با مواد نفتی و دفع انواع پلاستیک ها در محیط زیست.

این روند تا به امروز نیز ادامه پیدا کرده است اگرچه تلاش های بسیار زیادی در توسط حامیان محیط زیست و سازمان ها صورت گرفته و بسیاری از آنها تأثیرات مثبت فراوانی نیز داشته اند. اما هنوز هم این روند آلودگی ادامه دارد و دیگر زنگ هشدارها به صدا در آمد تا کشورها تصمیمی جدی برای این موضوع بگیرند.

نمی توان جلوی پیشرفت را گرفت اما می توان برای آن استاندارد تعیین کرد. محیط زیست ما به اندازه کافی آسیب دیده است و وارد کردن خسارت بیشتر غیرقابل جبران خواهد بود پس ما نیاز داریم که توسعه خود را پایدار و با هدف گذاری درس انجام دهیم.

در طی سال ها کنفرانس ها و قراردادهای بسیاری صورت گرفته که از نام آشنایان آن قرارداد پاریس در سال ۲۰۱۵ بوده است.

یکی دیگر از این کنفرانس های که به عنوان دستاوردی بزرگ قلمداد می شود. این کنفرانس نیز در سال ۲۰۱۵ در سازمان ملل واقع در شهر نیویورک برگزار شد و قرارداد آن به تصویب ۱۹۳ کشور رسید. این قرارداد، اهداف توسعه پایدار (Sustainable development goals) یا به اختصار SDGs نام دارد و در آن ۱۷ هدف تعیین شده است که کشورها وظیفه دارند تا سال ۲۰۳۰ به آنها برسند.

مقدمه

از ابتدای آفرینش بشر در حال تکامل و پیشرفت بوده و به همین روند نیز ادامه می دهد. ما از انسان های اولیه که در غارها زندگی می کردند به انسان های متمدن امروزی تبدیل شده و کماکان جای بسیاری برای توسعه و پیشرفت داریم.

می توان گفت زندگی انسان هایی که در ۳۰۰ میلادی زندگی می کردند تفاوت چندانی با انسان های ۱۳۰۰ نداشت. با وجود گذشت ۱۰۰۰ سال و یا حتی بیشتر کیفیت زندگی، امنیت، حمل و نقل و ... در سطحی تقریباً یکسان باقی مانده بود؛ اما در اواسط قرن ۱۷ بود که جرقه انقلاب صنعتی زده شد و آغازی برای رشد نمایی جوامع بشری بود.



برای مثال درآمد ۱/۲۵ دلار ممکن است در یک کشور آفریقایی درآمد مناسبی باشد؛ اما در یک کشور پیشرفته خیر و ایراد دیگری که می‌توان گرفت این است که آیا درآمد ۱/۵ دلار دیگر فقر مطلق به حساب نمی‌آید؟ به طور خلاصه می‌توان گفت اندازه‌گیری فقر کار آسانی نیست و نیاز به معیارها و اندازه‌گیری‌های دقیق دارد و تمامی اعداد به دست آمده تقریبی هستند.

نکته: فقر فقط فقر مادی و درآمدی نیست. فقر را می‌توان به نبود مجموعه‌ای از امکانات اولیه زندگی است مانند نبود حق آزادی یا حتی نبود امکاناتی مانند لوازم خان.

◆ نبود گرسنگی

ما طی چند دهه اخیر پیشرفت خوبی در کاهش گرسنگی در جهان داشتیم؛ اما در چند سال گذشته میزان گرسنگی روبه‌افزایش است به دلایل مختلفی همانند جنگ، تغییرات اقلیمی و مشکلات اقتصادی کشورها.

طبق داده‌ها ۶۹۰ میلیون نفر یا تقریباً ۹ درصد از جمعیت زمین از گرسنگی رنج می‌برند و پیش‌بینی می‌شود که این عدد در پنج سال آینده افزایش ۶۰ میلیونی داشته باشد. حدود ۳۸۰ میلیون نفر از این افراد در آسیا و ۲۵۰ میلیون نفر از آنها در قاره آفریقا زندگی می‌کنند و تعداد افرادی که در گرسنگی مطلق زندگی می‌کنند در آفریقا با سرعت بی‌سابقه‌ای روبه‌افزایش است.

در سال ۲۰۱۹ طبق برآوردی حدود ۲ میلیارد انسان در طول روز از دسترسی به غذای سالم و دارای مواد مغذی لازم محروم هستند و نبود امنیت غذایی را تجربه می‌کنند که آمار بسیار نگران‌کننده‌ای است.

باتوجه به پیش‌بینی‌ها اگر ما با همین روند پیش برویم تا سال ۲۰۳۰ حدود ۸۴۰ میلیون نفر (۱۰ درصد جمعیت زمین) از گرسنگی مطلق رنج خواهند برد.

چشم‌اندازها

هدف ۲/۱ پایان گرسنگی تا سال ۲۰۳۰ و اطمینان از دسترسی کامل همه مردم علی‌الخصوص افراد آسیب‌پذیر (فقرا و ...) به مواد مغذی.

هدف ۲/۲ تا سال ۲۰۳۰، به تمام اشکال سوءتغذیه، از جمله دستیابی به اهداف توافق شده بین‌المللی در مورد کوتاه‌قدی و کاهش وزن در کودکان زیر ۵ سال تا سال ۲۰۲۵ پایان داده شود و نیازهای تغذیه‌ای دختران نوجوان، زنان باردار و شیرده و افراد مسن برطرف شود.

هدف ۲/۳ تا سال ۲۰۳۰، بهره‌وری کشاورزی و درآمد تولیدکنندگان مواد غذایی در مقیاس کوچک، به‌ویژه زنان، مردم بومی، کشاورزان خانوادگی، دامداران و ماهیگیران، از طریق دسترسی ایمن و برابر به زمین، سایر منابع تولیدی و

نهاده‌ها، دانش، خدمات مالی، دوبرابر شود.

نکته قابل توجه اینجاست که از هر ۸ نفر در جهان ۱ نفر از چاقی مفرط رنج می‌برد که اغلب آنها در کشورهای توسعه‌یافته هستند مورد دیگر نیز این است که

این ۱۷ هدف مشخص شدند تا که ما بتوانیم بر اساس آنها جوامع خود را پیشرفت دهیم و درعین حال این توسعه و پیشرفت بدون آسیب برای همگان و محیط‌زیست باشد. در این مقاله به بررسی تعدادی از این اهداف می‌پردازیم و در ادامه می‌بینیم که آیا از سال ۲۰۱۵ تا حالا پیشرفتی داشتیم یا نه؟

◆ پایان فقر

پایان دادن به هرگونه فقر در هر جای دنیا

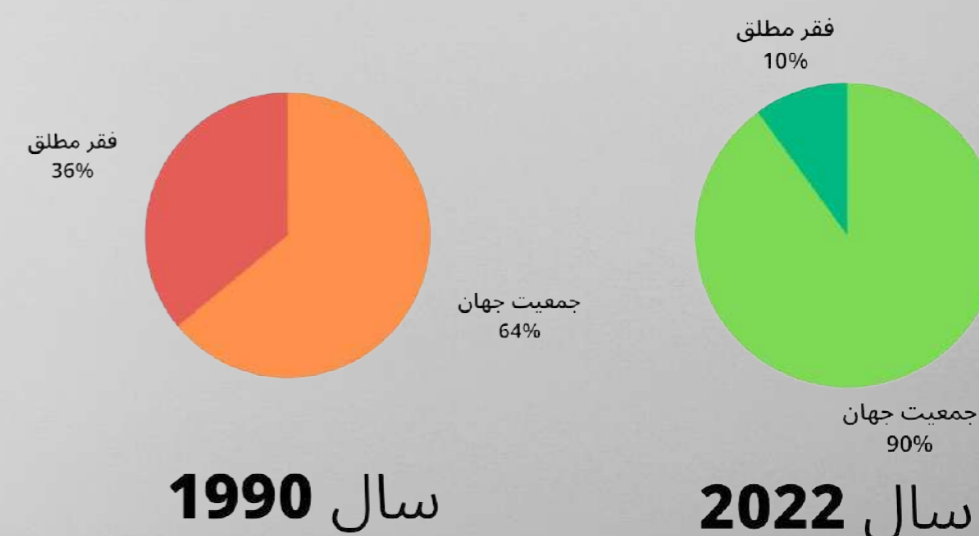
در حال حاضر طبق آمار فردی را که در روز کمتر از ۱/۲۵ دلار درآمد دارد را فقیر (فقر شدید) می‌نامند که البته این نوع از حد تعیین کردن دارای اشکالات اساسی نیز هست همانند تفاوت هزینه‌ها در نقاط مختلف دنیا. بر اساس اطلاعات حدود ۱۰ درصد از مردم جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند. این یعنی حدوداً ۷۳۵ میلیون نفر که عمده این افراد در قاره آفریقا زندگی می‌کنند. این عدد بسیار نگران‌کننده و زیاد است؛ اما اگر آن را با ۳۰ سال پیش مقایسه کنیم (آمار فقر در ۱۹۹۰ حدود ۳۶ درصد بوده) می‌بینیم که پیشرفت بسیار خوبی داشته‌ایم.

چشم‌اندازها

هدف ۱/۱: پایان فقر شدید برای تمامی مردم تا سال ۲۰۳۰

هدف ۱/۲: به نصف رسیدن تعداد مردان، زنان و کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند تا سال ۲۰۳۰

هدف ۱/۳: تا سال ۲۰۳۰، اطمینان حاصل شود که همه مردان و زنان، به‌ویژه اقشار فقیر و آسیب‌پذیر، از حقوق برابر برای منابع اقتصادی و همچنین دسترسی به خدمات اساسی، مالکیت و کنترل بر زمین و سایر اشکال دارایی، ارت، منابع طبیعی، فناوری جدید و خدمات مالی، از جمله تأمین مالی خرد برخوردار باشند.



معایب: فقر انواع و بعدهای مختلفی دارد که هرکدام معیارهای متفاوتی برای اندازه‌گیری دارند و اندازه‌گیری آنها در هر منطقه متفاوت است.

انرژی پاک و مقرون به صرفه

سوخت‌های فسیلی محدود هستند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست وارد می‌کنند، در جهان به طور برابر توزیع نشدند.

همه اینها باعث شده که انرژی‌های پاک جزء اصلی‌ترین مسائل روز دنیا چه در علم و چه در سیاست و حتی در اقتصاد علی‌الخصوص در دهه گذشته باشد. ما پیشرفت بسیار زیادی در این زمینه داشتیم و ابداعات شگفت‌انگیزی را در این زمینه نیز انجام دادیم؛ اما هنوز بسیار جای پیشرفت داریم، هم در زمینه تکنولوژی و هم در زمینه قیمت و دردسترس بودن. در سال ۲۰۲۰ حدوداً ۳۰ درصد از انرژی جهان از طریق انرژی پاک تأمین می‌شد و هرساله این عدد روبه‌افزایش است.

چشم‌اندازها

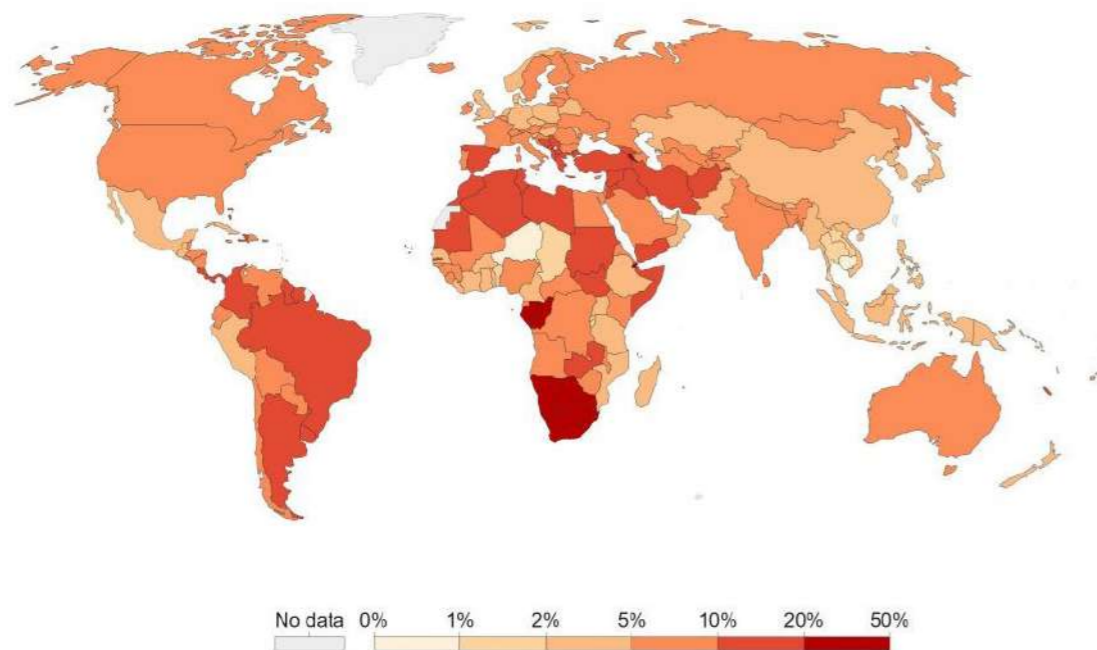
هدف ۷/۱ تا سال ۲۰۳۰ دسترسی همگانی به خدمات انرژی‌های مقرون به صرفه، قابل اعتماد و مدرن
هدف ۷/۲ تا سال ۲۰۳۰ افزایش قابل توجه سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در ترکیب انرژی‌ها
هدف ۷.الف تا سال ۲۰۳۰، افزایش همکاری بین‌المللی برای تسهیل دسترسی به تحقیقات و فناوری انرژی پاک، از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی و فناوری پیشرفته و پاک‌تر سوخت‌های فسیلی، و ترویج سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و فناوری انرژی پاک.

حدود ۴۰ درصد از مواد غذایی در جهان به مصرف نمی‌رسد و دور ریخته می‌شود. پس می‌توان گفت که میزان غذای تولید شده امروزه کفاف تمامی مردم جهان و حتی بیشتر را می‌دهد، با این تفاسیر می‌توان گفت از اساسی‌ترین مشکلات ما توزیع و مصرف درست مواد غذایی است و نه تولید آن.



نرخ بیکاری، ۲۰۲۱

بیکاری به سهمی از نیروی کار اطلاق می‌شود که بدون کار است اما در دسترس و جویای کار است.



Source: International Labour Organization (via World Bank)

CC BY

کشور درآمد مردان ۱۲/۵ درصد بیشتر از زنان است. شکاف جهانی دستمزد جنسیتی در سطح جهانی ۲۳ درصد است و بدون اقدام قاطع، برای دستیابی به دستمزد برابر ۶۸ سال دیگر نیاز است. نرخ مشارکت زنان در نیروی کار ۶۳ درصد و مردان ۹۴ درصد است.

آمار و ارقامی مربوط به کار و اشتغال در سراسر دنیا نرخ بیکاری جهانی در سال ۲۰۱۷ ۵/۶ درصد بود که نسبت به ۶/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش داشته است. در سطح جهانی، ۶۱ درصد از کل کارگران در سال ۲۰۱۶ به مشاغل غیررسمی اشتغال داشتند. در بررسی انجام شده در ۴۵ کشور در حال توسعه، در ۴۰

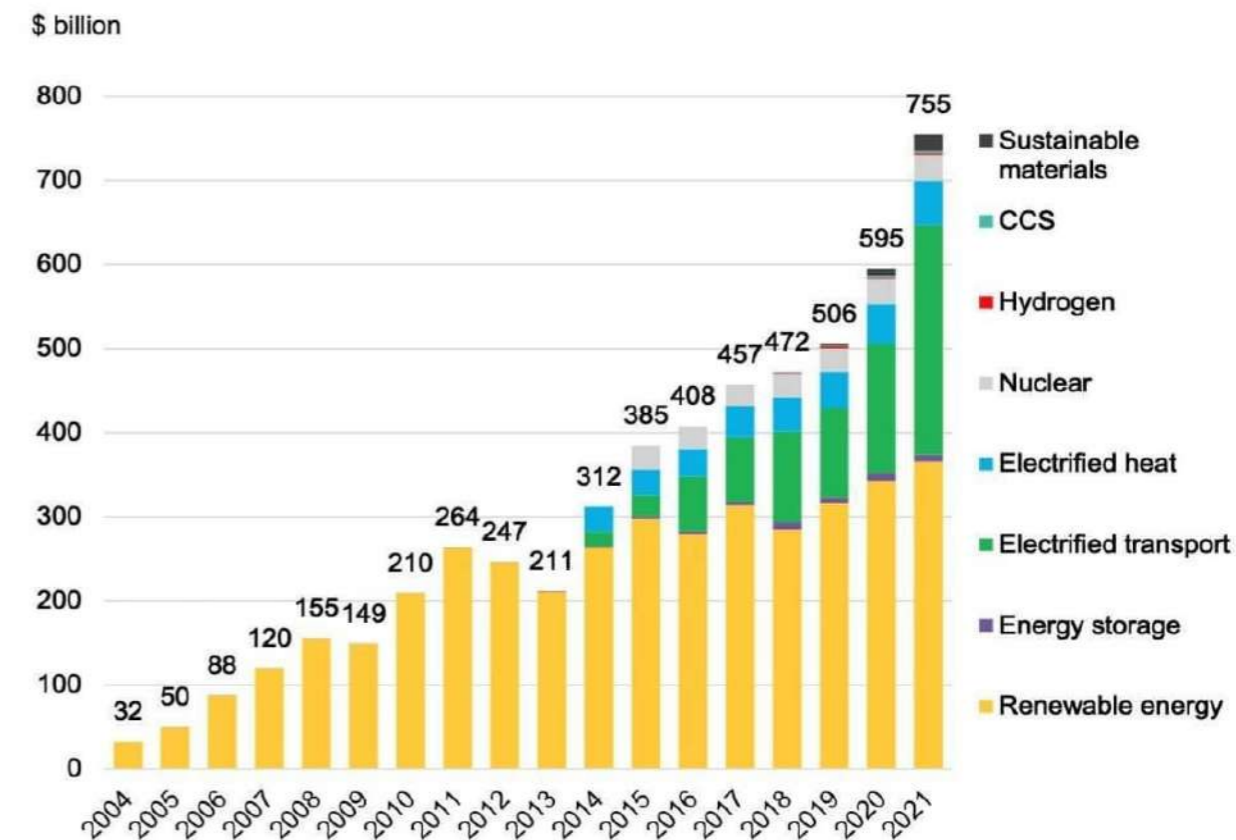
چشم‌اندازها

از جمله از طریق دسترسی به خدمات مالی. هدف ۸/۴: تا سال ۲۰۳۰، بهره‌وری منابع جهانی در مصرف و تولید و تلاش برای جدا کردن رشد اقتصادی از تخریب محیط‌زیست، مطابق با چارچوب ۱۰ ساله برنامه‌های مصرف و تولید پایدار، با پیشسازی کشورهای توسعه یافت.

هدف ۸/۵: تا سال ۲۰۳۰، دستیابی به اشتغال کامل و مولد و کار شایسته برای همه زنان و مردان، از جمله برای جوانان و افراد دارای معلولیت، و دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر.

هدف ۸/۱: حفظ رشد سرانه اقتصادی مطابق با شرایط ملی و به‌ویژه رشد حداقل ۷ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال در کشورهای کمتر توسعه یافته. هدف ۸/۲: دستیابی به سطوح بالاتری از بهره‌وری اقتصادی از طریق تنوع، ارتقای فناوری و نوآوری، از جمله از طریق تمرکز بر بخش‌های با ارزش افزوده بالا و نیروی کار فشرده. هدف ۸/۳: ترویج سیاست‌های توسعه محور که از فعالیت‌های مولد، ایجاد شغل مناسب، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری حمایت می‌کند و رسمی‌سازی و رشد شرکت‌های کوچک، کوچک و متوسط را تشویق می‌کند.

Global investment in energy transition by sector



Source: BloombergNEF. Note: start-years differ by sector but all sectors are present from 2019 onwards; see Appendix for more detail.

در نمودار بالا افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر را مشاهده می‌کنیم (قسمت زرد رنگ).

کار شایسته و رشد اقتصادی

رشد اقتصادی همیشه از اهداف اصلی و مورد توجه تمامی دولت‌ها بوده و هست، رشد اقتصادی به معنای افزایش تولید، افزایش محصولات کشاورزی و ذخایر آن، افزایش اشتغال و ... است. هدف ۸ نیز بیان می‌کند تولید پایدار، تقاضای پایدار و رشد پایدار سبب افزایش اشتغال شده و نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد. قابل توجه: در طول تاریخ همواره سرعت رشد اقتصادی کشورهای فقیر، کمتر توسعه یافته و در حال توسعه از سرعت رشد کشورهای توسعه یافته بیشتر بوده. (باتوجه به مدل سولو)

در طول ۲۵ سال گذشته تعداد کارگرانی که در فقر شدید زندگی می‌کردند کاهش چشمگیری داشت. در کشورهای در حال توسعه طبقه متوسط بیش از ۳۴ درصد اشتغال را تشکیل می‌دهند. این رقم در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۵ تقریباً سه برابر شد. با این حال، با ادامه احیای اقتصاد جهانی، شاهد رشد آهسته‌تر، افزایش نابرابری‌ها و نبود شغل کافی برای همگام شدن با نیروی کار روبه رشد هستیم. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار بیش از ۲۰۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ بیکار بودند.

اقدامات اقلیمی

تغییرات اقلیم به معنای افزایش درجه دمای اتمسفر زمین است که دلیل آن افزایش میزان گازهای گلخانه‌ای است که سبب می‌شود گرمای وارد شده به زمین از طرف خورشید، بیشتر و بیشتر در زمین باقی بماند.

از عواقب آن می‌توان به آب‌شدن یخ‌های قطبی و در ادامه بالاتر آمدن سطح آب‌ها و در معرض خطر قرارگرفتن جزایر و آبادی‌های ساحلی، خشکسالی و در مناطقی افزایش بیش از حد بارندگی و ایجاد سیل و طوفان، کاهش منابع آب آشامیدنی، آسیب به صنعت کشاورزی، آسیب به سیستم اقتصادی و ...

اقدامات اقلیمی چندمعنی دارد: ۱. مقاوم کردن خودمان (از لحاظ تکنولوژی، سیاسی، اقتصادی و ...) برای مقابله با تغییراتی که در حال حاضر رخ داده و آنهایی که از

اتفاق افتادنشان مطمئنیم و راهی برای جلوگیری از آن نداریم.

۲. جلوگیری کردن از پیشرفت این واقعه و تنظیم سیاست‌های بازدارنده

چند نکته قابل توجه:

میانگین دمای زمین از سال ۱۸۸۰ تا ۲۰۱۲ حدود ۰/۸۵ درجه سانتیگراد افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ حداقل به ۱/۵ افزایش یابد. از بین سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۱۰ ارتفاع آب اقیانوس‌ها ۱۹ سانتی‌متر افزایش داشت.

میزان انتشار کربن‌دی‌اکسید (رایج‌ترین گاز گلخانه‌ای) از سال ۱۹۹۰ افزایش ۵۰ درصدی داشت.

چشم‌اندازها

هدف ۱۳/۱ افزایش مقاومت و انطباق‌پذیری در برابر خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی در همه کشورها

هدف ۱۳/۲ ادغام اقدامات اقلیمی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی

هدف ۱۳. الف تعهدات کشورهای توسعه‌یافته در چارچوب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب‌وهوا مکلف‌اند سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از طریق منابع خود برای رفع نیازهای کشورهای درحال توسعه در زمینه کاهش معنی‌دار تغییرات انجام دهند؛ بنابراین، برای انجام اقدامات و شفافیت سرمایه‌گذاری، از طریق صندوق آب هوای سبز (GCF) باید به طور کامل عملیاتی شود.



“

منابع

- sustainabledevelopment.un.org
- ecoviews.ir
- Michael Green's speech on TED Talks about SDGs

”

مغنا

جمع بندی

جمع بندی

پیشرفت و توسعه بخشی جدانشدنی از زندگی انسان است، اما نباید بهای آن پسرقت در زمینه‌های دیگر باشد. این وظیفه بر عهده اقتصاددانان است تا با سیاست و برنامه‌ریزی مناسب برای حفاظت از محیط‌زیست، افزایش سطح بهداشت، افزایش امنیت غذایی، بالابردن بازدهی تولیدات کشاورزی، کاهش آلودگی‌های حاصل از تولید انرژی، بهبود تحصیلات و ... تلاش کنند و اجازه ندهند تنها خانه ما پاسوز پیشرفت بشریت شود.

مغنا

تغییرات اقلیمی، رشد اقتصادی، سرمایه‌داری و دولت؛

چه باید کرد؟

علی ارومیه‌ای | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

دمای زمین به دلیل فعالیت‌های انسانی در حال افزایش است و تغییرات آب‌وهوایی، اکنون همه‌ی جنبه‌های زندگی انسان را تهدید می‌کند. اگر کنترل نشود، انسان و طبیعت با گرم‌شدن فاجعه‌بار دمای زمین همراه با تشدید خشکسالی، افزایش بیشتر سطح آب دریاها و انقراض دسته‌جمعی گونه‌ها مواجه خواهند شد. تغییرات آب‌وهوایی سریعی که اکنون شاهد آن هستیم ناشی از استفاده انسان از نفت، گاز و زغال‌سنگ برای خانه‌ها، کارخانه‌ها و حمل‌ونقل است. وقتی این سوخت‌های فسیلی می‌سوزند، گازهای گلخانه‌ای (بیشتر دی‌اکسیدکربن) آزاد می‌کنند. این گازها گرمای خورشید را به دام می‌اندازند و باعث افزایش دمای سیاره زمین می‌شوند. اکنون جهان حدود ۱.۲ درجه سانتیگراد گرم‌تر از قرن نوزدهم است و مقدار دی‌اکسیدکربن در جو ۵۰٪ افزایش یافته است.



با گرم‌شدن بیشتر، برخی از مناطق ممکن است غیرقابل سکونت شوند، زیرا زمین‌های کشاورزی به بیابان تبدیل می‌شوند. در مناطق دیگر، اتفاق برعکس می‌افتد، بارش شدید باران باعث جاری‌شدن شدید سیل می‌شود، همان‌طور که اخیراً در چین، آلمان، بلژیک و هلند مشاهده شد.

مردم کشورهای فقیرتر بیشترین آسیب را خواهند دید؛ زیرا توان لازم برای سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی را ندارند. بسیاری از مزارع در کشورهای درحال توسعه حتی در حال حاضر هم مجبور به تحمل آب‌وهوای بسیار گرم هستند و این فقط بدتر خواهد شد. اقیانوس‌های ما و زیستگاه‌های آن نیز در معرض تهدید هستند. به‌عنوان مثال، دیواره مرجانی بزرگ در استرالیا، نیمی از مرجان‌های خود را از سال ۱۹۹۵ به دلیل گرم‌شدن دریاها به دلیل تغییرات آب‌وهوایی از دست داده است. آتش‌سوزی‌های جنگلی در حال افزایش است؛ زیرا تغییرات آب‌وهوایی خطر آب‌وهوای گرم و خشک را افزایش می‌دهد و با ذوب‌شدن زمین‌های یخ‌زده در مکان‌هایی مانند سیبری، گازهای گلخانه‌ای که قرن‌ها به دام افتاده‌اند در جو منتشر می‌شوند و تغییرات آب‌وهوایی را بدتر می‌کنند.

در دنیای گرم‌تر، حیوانات به‌سختی می‌توانند غذا و آب موردنیاز خود را برای زندگی پیدا کنند. برای مثال، خرس‌های قطبی ممکن است با آب‌شدن یخی که به آن متکی هستند، بمیرند و فیل‌ها برای یافتن ۱۵۰ تا ۳۰۰ لیتر آب در روز تقلا خواهند کرد. دانشمندان بر این باورند که در صورت عدم اقدام در این قرن، حداقل ۵۵۰ گونه ممکن است از بین بروند.

بوم‌شناسان و دانشمندان محیط‌زیست اغلب «افزایش جمعیت بیش از حد» و همراه آن، افزایش بهره‌برداری از منابع طبیعی را نقطه عزیمت در پیش‌بینی بحران‌های زیست‌محیطی می‌دانند. درحالی‌که آن‌ها معمولاً از نگاه کردن به چیزی که به نظر می‌رسد ریشه‌های این بیماری است خودداری می‌کنند، اما استدلال می‌کنند که افزایش جمعیت همراه با فعالیت‌های صنعتی لجام‌گسیخته منجر به بلایای زیست‌محیطی مانند گرم‌شدن کره زمین، تغییرات آب‌وهوایی، رسوب اسید، تخریب خاک، آلودگی هوا و آب می‌شود.

نمی‌توان انکار کرد که افزایش جمعیت بیش از حد، و در واقع، تولیدات صنعتی انبوه کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه، تأثیرات زیان‌بار جبران‌ناپذیری بر آب‌وهوا دارد. اما آنچه اغلب در تشخیص آن‌ها حذف می‌شود، خطرات زیست‌محیطی ذاتی سرمایه‌داری به‌عنوان یک سیستم اقتصادی جهانی است.

سرمایه‌داری - که به‌عنوان تولید به هدف سود در یک بازار رقابتی تعریف می‌شود - یک سیستم اقتصادی است که در آن انگیزه حداکثرسازی سود خصوصی از اصول فعالیت اقتصادی انسان تعریف می‌شود. فضایل آن در بهره‌وری و نرخ رشد چشمگیر طبق همین اصل است. منطق پیشینه‌سازی سود، تولیدکنندگان را وادار می‌کند تا در آنچه در تولید بهترین هستند تخصص داشته باشند و برای افزایش بهره‌وری و کارایی،

بیماری‌های آن نیز می‌شود. سرمایه‌داری به رشد بی‌پایان تولید نیاز دارد تا باثبات بماند، استانداردهای زندگی را بالا ببرد و برای جوانان و جمعیت فزاینده جهان اشتغال فراوان ایجاد کند.

تولید خود منوط به مصرف است. بدون مصرف کافی که تقاضای بیشتری برای تولید ایجاد می‌کند، چرخه تولید فلج می‌شود؛ بنابراین مصرف روی دیگر سکه یک‌چرخه تولید پررونق است. درحالی‌که سرمایه‌داری نرخ بهره‌وری را تحریک می‌کند، بهره‌وری را به سمت مصرف بیشتر سوق می‌دهد تا اطمینان حاصل شود که روند تولید مختل نمی‌شود؛ بنابراین، مصرف انبوه - یا مصرف‌گرایی - صرفاً یک پدیده فرهنگی نیست. این در اصول اصلی سرمایه‌داری به‌عنوان یک سیستم اقتصادی گنجانده شده است. هر چه مصرف بیش‌تر باشد، تولید بیش‌تر و در ادامه فروش بیش‌تر می‌شود و با فروش بیش‌تر، سود بیش‌تری ایجاد می‌شود که عمدتاً در پایداری بنگاه یا واحد تجاری مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شود.

اما اگر ما در سیاره‌ای محدود با منابع زیست‌محیطی و طبیعی محدود زندگی می‌کنیم که باید برای اهداف پایداری حفظ شود، چگونه می‌توانیم این تناقض را حل کنیم؟ اگر ظرفیت حمل جهان نتواند مصرف و تولید بی‌پایان را حفظ کند، واضح است که تناقضی در اینجا وجود دارد. این تناقض طبیعتاً سؤال مهم‌تری را مطرح می‌کند: چگونه می‌توان با معضل حفظ یک نظام سرمایه‌داری که از یک سو، با نرخ‌های رشد فزاینده عمر خود را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر مخاطرات زیست‌محیطی که سیاره ما را تهدید می‌کند را رقم می‌زند، روبرو شد؟

برای پاسخ به این سؤالات، سه گزاره در مورد طهیت و پویایی سرمایه‌داری وجود

روی جدیدترین فناوری‌ها سرمایه‌گذاری کنند.

حداکثرسازی سود همچنین انگیزه‌هایی را برای کارآفرینان فراهم می‌کند تا بهره‌وری را در مقیاس بزرگ، افزایش دهند. همین انگیزه حداکثرسازی سود نیز عاملان اقتصادی را قادر می‌سازد تا منابع را به‌گونه‌ای تخصیص دهند که موجب رشد و پویایی شود. شرکت‌ها، تحت فشار رقابتی بازار، سرمایه‌گذاری در فناوری‌ها و کاهش هزینه را منطقی می‌دانند که به آن‌ها اجازه می‌دهد در برابر فشاری که توسط هم‌تایان خود در بازار به آن‌ها وارد می‌شود مقاومت کنند. این در مجموع منجر به یک چرخه از کارایی، بهره‌وری و سود بهینه می‌شود. نمونه‌های موفقیت از نظر نرخ رشد در تاریخ مدرن سرمایه‌داری بسیار زیاد است. توسعه صنعتی عظیم انگلستان در قرن ۱۸ و ۱۹، ایالات متحده به‌عنوان توسعه‌دهنده اولیه سرمایه‌داری قبل از دو جنگ جهانی ویرانگر، نرخ رشد قابل توجه اروپای غربی (آلمان، فرانسه، ایتالیا و...) در دوران پس از جنگ و به دنبال آن ژاپن در نیم‌قرن اخیر، ظهور بره‌های آسیای شرقی و البته اخیراً، لویاتان چینی نمونه‌های بارز توسعه اقتصادی خیره‌کننده در سرمایه‌داری معاصر هستند.

پس مشکل چیست؟ به‌هرحال، اگر سرمایه‌داری در معرفی خود به‌عنوان موتور بهره‌وری و رشد بسیار موفق بوده است، چرا باید آن را مقصر فجایع زیست‌محیطی دانست؟ در اینجا است که خصیصه اصلی سرمایه‌داری که فضایل آن را ایجاد می‌کند، باعث



مسئولیت دولت است که این رفتار خصمانه شرکتها در برابر محیطزیست را با وضع مالیات سنگین بر شرکت‌هایی که مقررات زیست‌محیطی را که دولت وضع می‌کند، نقض می‌کنند، تنظیم کند.

اما مشکل اینجاست که دولت‌ها در کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک معمولاً این موضوع را نادیده می‌گیرند، یا به دلیل فشاری که از سوی گروه‌های تجاری بانفوذ وارد می‌شود، عمداً از آن غفلت می‌کنند. در بیشتر کشورها، دولت تابع لابی‌های گروه‌های تجاری بانفوذ است. دولت باید مشوق‌هایی را برای گروه‌های تجاری فراهم کند تا اطمینان حاصل شود که آنها تا حد ممکن پویا باقی می‌مانند تا رشد اقتصادی و فرصت‌های شغلی فراوان را تضمین کنند که برای جلوگیری از ورود کشور به بحران و افزایش رشد سالانه ضروری است.

بنابراین، دولت به‌تنهایی تمایلی به اتخاذ تدابیری برای کاهش نرخ سود گروه‌های تجاری به‌خاطر محیطزیست ندارد. به‌عنوان مثال کشورهای چین یا هند را در نظر بگیرید که دولت‌هایشان کاملاً از فجایع زیست‌محیطی اطراف محیط‌های صنعتی در آن کشورها غافل هستند^۳. ازاین‌رو، الزام دولت‌ها به مداخله یک چالش خواهد بود. شرکت‌ها نیز انگیزه‌ای برای نظارت بر مقرراتی که از محیطزیست محافظت می‌کنند ندارند، زیرا آنها مجبور هستند تحت فشار شدید رقابت بازار، سود را به حداکثر برسانند.

شکل دیگری از مداخله غیربازاری وجود دارد که نیروهای اجتماعی است. در دولت‌های دموکراتیک مردم از سطح مشخصی از آزادی برای فعالیت اجتماعی برخوردارند؛ بنابراین، در دولت‌های دموکراتیک، فعالان محیطزیست می‌توانند جنبش‌هایی را شکل دهند که به‌طور جدی خواستار مقررات سخت‌گیرانه‌تر برای نجات محیطزیست هستند. در برخی موارد، آنها ممکن است

3. <http://www.cfr.org/china/chinas-environmental-crisis/p12608>

دارد که باید بررسی شود. اولاً، شرکت‌ها در سیستم سرمایه‌داری تحت فشار زیادی برای کاهش هزینه‌ها هستند، زیرا اگر این کار را نکنند، رقبایشان این کار را خواهند کرد. از آنجایی که رقبای آنها هزینه‌ها را کاهش می‌دهند تا بتوانند دوباره در رشد شرکت سرمایه‌گذاری کنند و در نتیجه رقابتی‌تر شوند، اگر یک شرکت از انجام این کار خودداری کند، به‌زودی توسط دیگران از بازار خارج می‌شود. همان‌طور که اریک اولین راییت، جامعه‌شناس می‌گفت، یکی از راه‌های کاهش هزینه‌ها این است که بخشی از آن هزینه را بر دوش محیطزیست اندازیم. برای مثال تصور کنید یک قوطی نوشابه را از شیشه ماشین پرتاب کنید؛ زیرا این روشی کم‌هزینه برای دورانداختن قوطی است و نسبت به تأثیر منفی آن بر دیگران کاملاً بی‌تفاوت باشید. همین رفتار اغلب توسط بنگاه‌های بزرگ اتخاذ می‌شود. ثانیاً قیمت منابع طبیعی تجدیدناپذیر در نظام سرمایه‌داری معمولاً تحت تأثیر افق‌های نسبتاً کوتاه‌مدت سازماندهی می‌شود و تقریباً هیچ‌گونه حساسی از ارزش آینده این منابع محدود وجود ندارد. میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای در جو از اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌شدت افزایش یافته است که عمدتاً ناشی از رشد اقتصادی قوی در کشورهای درحال توسعه است که اغلب منابع طبیعی عظیمی مانند نفت، گاز و سایر مواد معدنی را مصرف می‌کنند. چین و هند در دو دهه گذشته به‌سرعت رشد کرده‌اند و بستر اصلی توسعه در محیط‌های صنعتی آنها منابع طبیعی تجدیدناپذیر است که اتفاقاً یکی از بالاترین

چه باید کرد؟ همان‌طور که قبلاً اشاره کردم، معماری بازار تحت شرایط سرمایه‌داری هیچ مکانیسمی برای مقابله با خطرات زیست‌محیطی که فرایندهای تولید و مصرف در مقیاس بزرگ بر محیطزیست وارد می‌کنند ارائه نمی‌دهد. ازاین‌رو، باید مداخلات غیربازاری برای مهار یا کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی صورت گیرد. این مداخله غیربازاری می‌تواند توسط نیروهای دولتی یا اجتماعی باشد. البته، می‌توان استدلال کرد که این



1. Erik Olin Wright, *Envisioning Real Utopias*, 2010
2. http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDS/IB/1992/08/01/000009265_3961003065438/Rendered/PDF/multi_page.pdf



از آنها تمایلی به کاهش داوطلبانه انتشار کربن ندارند. توافقنامه اخیر پاریس در مورد تغییرات اقلیمی که در آن ۱۹۵ کشور اولین توافق جهانی آب‌وهوایی الزام‌آور را به تصویب رساندند، در واقع حرکتی بسیار مثبت به سمت همکاری بین‌المللی برای حفاظت از سیاره زمین است. برای اینکه واقعاً مسیر را تغییر دهیم، باید نظام سیاسی - اقتصادی که امروز جهان را تحت الشعاع قرار داده است، دوباره ارزیابی کنیم. اگر سیستم فعلی را در جای خود نگه داریم، هیچ‌چیز اساساً تغییر نخواهد کرد، به‌ویژه در مورد تغییرات آب‌وهوایی. این نظام سیاسی - اقتصادی،

بتوانند دولت را مجبور به اعمال محدودیت بر شرکت‌ها و بازرسی منظم آن‌ها کنند. به نظر می‌رسد که این یک گزینه مناسب است، اما مسئولیت سازماندهی حول این هدف را فعالان برای تحمل خواهند کرد. همکاری بین‌المللی نیز برای کاهش مؤثر این امر کلیدی است. اما ثابت شده است که دستیابی به همکاری بین‌المللی معنادار کار سختی است. اگرچه کشورها منافع مشترکی در جلوگیری از تغییرات آب‌وهوایی دارند، بسیاری

نظام سرمایه‌داری است.

سرمایه‌داری براساس استخراج، هم از منابع «طبیعی» و هم نیروی کار انسانی، به دنبال افزایش تولید و بهره‌وری است که نتیجه نهایی آن همیشه تولید سرمایه بیشتر در قالب سود است. تا زمانی که ما سیستمی داریم که با تولید بیشتر و بیشتر کالاها، محتوا و کالاها، مشوق سود است، هرگز نخواهیم توانست جلوی بدترین پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی را بگیریم.

سرمایه‌داری مستلزم استثمار طبیعت و انسان‌ها به طور یکسان است. استخراج و حفاری بیشتر برای تولید فلزات و پلاستیک و سوخت بیشتر برای ساخت و فروش محصولات بیشتر به افراد بیشتر. شرکت‌ها باید به فروش چیزهای بیشتری ادامه دهند تا بتوانند سود

بیشتری کسب کنند. آنها باید به رشد هر چه بیشتر ادامه دهند تا همچنان سود و بازدهی را برای سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب کنند.

انگیزه سودی که در سرمایه‌داری مرکزیت دارد، اغلب ناخواسته، تولیدکننده و مصرف‌کننده را مجبور به نابودی کره زمین کرده است و از آنجایی که اقتصاد جهانی از طریق سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی به طور فزاینده‌ای به هم مرتبط می‌شود، تولیدکنندگان به بازارهای بزرگ‌تری دسترسی پیدا می‌کنند تا بتوانند به تولید کالاهای بیشتر و بیشتر برای خرید مصرف‌کنندگان ادامه دهند.

این مدل به دلایل مختلف، به‌ویژه دلایلی که مربوط به تخریب سیاره است، پایدار نیست. سرمایه‌داری موتور محرکه اصلی است که تغییرات اقلیمی را به جلو می‌برد. تا زمانی که سرمایه‌داری شیوه تولید غالب در سراسر جهان باشد، تغییرات

پنل خورشیدی نصب کرد.
در حالی که یارانه‌ها از سال ۲۰۱۵
به‌طور کلی حدود ۲ درصد در سال
کاهش یافته است، مجموع ۳/۳
تریلیون دلار هنوز مقدار زیادی پول
است. اینها سرمایه‌های عمومی ای هستند
که دولت‌ها با اعطای آن‌ها به شرکت‌های
غول‌پیکر سوخت فسیلی که باعث تغییرات
اقلیمی می‌شوند، هدر داده‌اند. به جای پاسخگویی
برای فاجعه قریب‌الوقوع که ایجاد کرده‌اند، به آنها
پاداشی معادل تریلیون‌ها دلار یارانه عمومی داده می‌شود. در
همین حال، این دولت‌ها و رهبران سیاسی آن‌ها ادعا می‌کنند
که می‌دانند تغییرات آب‌وهوایی مهم‌ترین کره زمین است، و
با این حال آنها همچنان مبالغه‌آمیزی را به تولیدکنندگان
سوخت فسیلی اختصاص می‌دهند.
این شرکت‌ها در حال حاضر به طور باورنکردنی سودآور هستند،
پس چرا باید در وهله اول به آنها یارانه پرداخت شود؟ وقتی
متوجه می‌شویم که این یارانه‌های هنگفت را می‌توان برای
مبارزه با تغییرات اقلیمی به شیوه‌ای دگرگون‌کننده و پارادایم‌ساز
یا سیاست‌های بهداشتی، تأمین اجتماعی، آموزشی و... بهتر
هزینه کرد، این امر ناراحت‌کننده‌تر می‌شود.
دلیل اینکه این دولت‌ها و رهبران بر خلاف منافع مردم و کره
زمین عمل می‌کنند این است که در نظام سرمایه‌داری، دولت‌ها
برای حفظ وضعیت موجود و دفاع از قدرت نخبگان، ثروتمندان و
شرکت‌ها، صرف‌نظر از شکل سیاسی آن، وجود دارند. همان‌طور
که مقاله‌ای از دانشمندان علوم سیاسی مارتین گیلنز و بنجامین
پیچ نشان می‌دهد، سیاستمداران و سیاست‌گذاران عمدتاً
منافع آمریکایی‌های معمولی طبقه کارگر را که روی هم ۹۰ درصد
جمعیت را تشکیل می‌دهند نادیده می‌گیرند. در عوض، این
منافع ۱۰ درصد ثروتمندتر، بزرگ‌ترین شرکت‌ها، و لابی‌گران
است که سیاست عمومی برای آنها نوشته می‌شود.^۵

5. Martin Gilens, Benjamin I. Page, Testing Theories of American Politics: Elites, Interest Groups, and Average Citizens, American Political Science Association 2014





جمع‌بندی

تغییر اقلیم نتیجه سازمان اجتماعی کنونی ماست. تمام بشریت را تهدید می‌کند. تغییر سازمان اجتماعی کنونی ما امکان ایجاد جامعه‌ای در طبیعت را فراهم می‌کند که در آن به تمام زندگی ارزش داده می‌شود. امر اجتماعی و امر زیست‌محیطی، جدایی‌ناپذیر هستند، و میدان نبرد سیاسی در حال تشدید این هزاره را با هم بازنمایی می‌کنند. اگر موفق به قبضه‌ی این لحظه‌ی استثنایی در تاریخ نباشیم، نسل‌های آینده ما را به‌تندی قضاوت خواهند کرد. همگرایی قریب‌الوقوع بحران‌ها، از اقتصادی گرفته تا زیست‌محیطی، حداقل نیازمند چشم‌انداز جدیدی برای نظم اجتماعی ما است.



سیاره ما نمی‌تواند یک مدل رشد ابدی را تحمل کند. ما در یک سیستم متناهی زندگی می‌کنیم و نوآوری سرمایه‌داری تنها می‌تواند ما را تا این حد پیش ببرد. در نهایت منابع ما تمام می‌شود. اغلب اوقات بررسی تغییرات آب‌وهوایی به اندازه‌گیری گازهای گلخانه‌ای یا ذوب شدن یخ تقلیل می‌یابد. این شاخص‌های تغییر آب‌وهوا برای تأیید وجود مشکل مهم هستند، اما برای کمک به ما در درک اینکه مشکل تغییر آب‌وهوا از کجا می‌آید، سازنده نیستند. درک منبع تغییرات آب‌وهوایی به معنای فراتر رفتن از منبع گازهای گلخانه‌ای و بررسی روابط قدرتی است که رشد سرمایه‌داری را پیش می‌برد. اولین قدم برای درک تغییرات اقلیمی، درک چگونگی عملکرد قدرت در تاریخ تمدن سرمایه‌داری است.

تعارف‌های گمرکی محیط‌زیستی می‌توانند متحول‌کننده باشند

سبحان خسروی‌زاده | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

بدون کاهش فوری انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییرات اقلیمی بدتر می‌شود و ریسک خطرناکی به تمدن بشر تحمیل می‌کند. در غیاب چارچوب‌های موثر و چندجانبه، ضروری‌ست که هزینه‌ی انتشار گازها- را از روش‌های دیگر افزایش دهیم. تعارف‌های گمرکی محیط‌زیستی می‌توانند آخرین امید بشر برای کنترل تغییرات اقلیمی باشند و اگر انتشار گازهای گلخانه‌ای را محدود نکنیم این تغییرات ویرانگر خواهد بود.



منابع

- کلاین، ناٹومی، آخرین فرصت تغییر، نشر لاهیتا
- انقلاب زیست بومی، بلامی فاستر، جان، نشر چرخ
- اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، اتفاق، شهرام، نشر پژوهاک
- سرمایه‌داری و محیط‌زیست، سوییزی، پل، نشر دیگر
- Does capitalism have to be bad for the environment?, World Economic Forum
- Ending climate change requires the end of capitalism, Guardian
- Capitalism Is the Problem, Truthout
- Capitalism vs. climate, The Nature

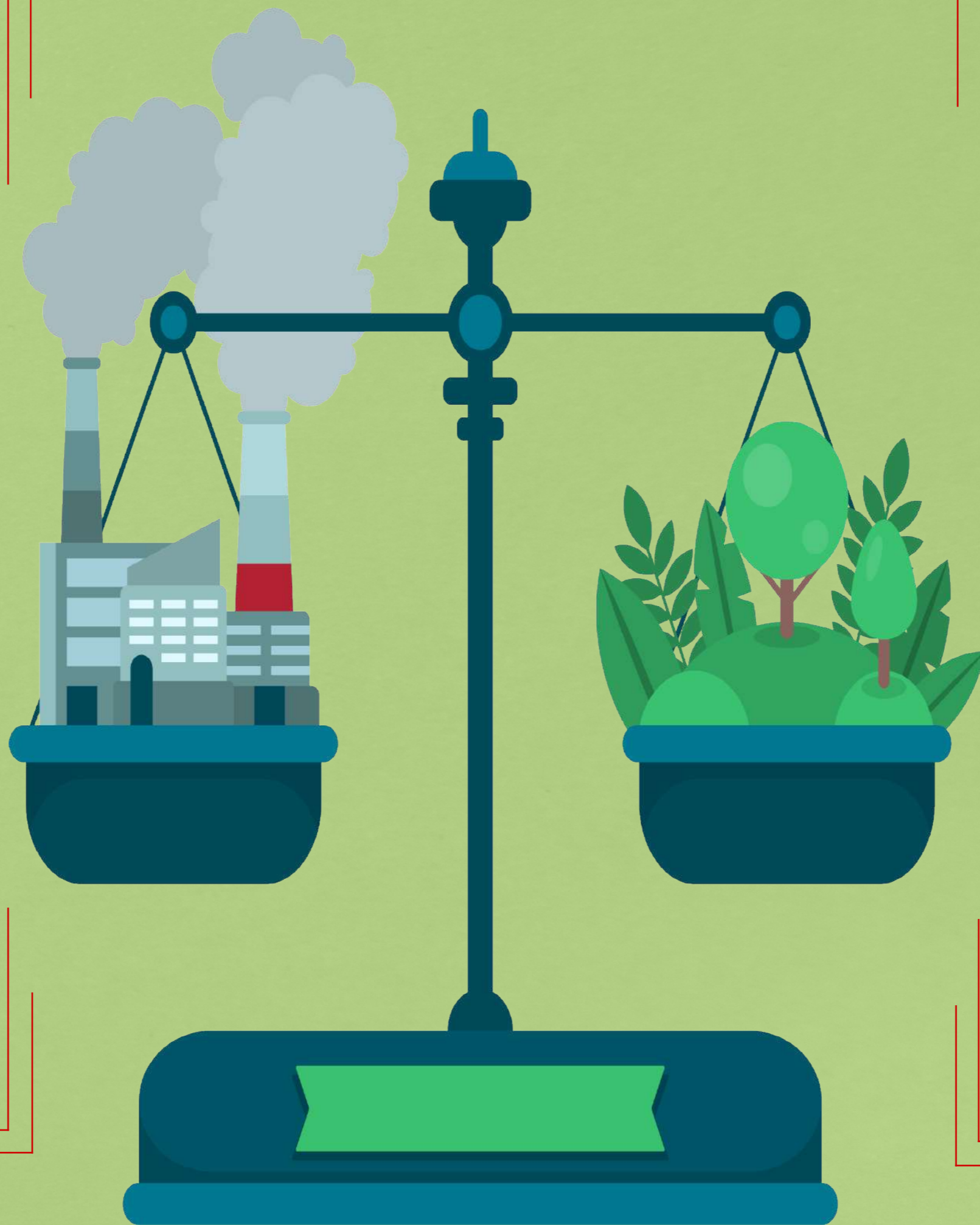
مبلغ

سراسرتین راه برای مقابله با این تهدید بی‌سابقه‌ی جهانی، توافق چندجانبه‌ای است که همه یا اکثر کشورها را درگیرگذار سبز بکند. نکته کلیدی، سرعت بخشیدن به تولید انرژی تجدیدپذیر و کاهش عمده‌ی مصرف سوخت‌های فسیلی است. پروسه‌ای که نیاز به سیاست‌های هماهنگ در ۳ جبهه دارد: مقررات، سوبسید برای تکنولوژی‌های پاک و مالیات‌های کربن.

متاسفانه این نوع توافق جهانی، دور از دست به نظر می‌رسد چون هم صنعت سوخت فسیلی از نظر سیاسی قدرتمند است و هم برخی از بزرگ‌ترین آلوده‌کننده‌های دنیا - از جمله آمریکا و هند و چین - سیاست‌های مورد نیاز را نمی‌پذیرند.

مقررات و سوبسیدها برای رسیدن به گذار انرژی^۲ موثر، ضروری هستند. مالیات کربن نیز سنگ بناسست زیرا هزینه‌ی انتشار کربن‌دی‌اکسید و دیگر گازهای گلخانه‌ای را افزایش می‌دهد. چندین کشور اکنون این مالیات‌ها را اتخاذ می‌کنند - مثل سوئد که بالاترین مالیات کربن در جهان را دارد (۱۱۷ دلار بر هر تن) - ولی بسیاری از کشورها از جمله آمریکا و چین هنوز همراهی نکرده‌اند. این بی‌ثباتی، پدیده‌ی «نشست کربن»^۳ را افزایش داده است. فعالیت‌هایی با انتشار گاز - بالا، متمایلند از کشورهایی با مالیات کربن، به دیگر کشورها بروند. هنگامی که یک کشور به طور غیرچندجانبه مالیات کربن بالاتری اتخاذ می‌کند، به همه سود می‌رساند و همانطور ناخواسته باعث می‌شود که بقیه‌ی کشورها تلاش کم‌تری بکنند. یا همانطور که یک اقتصاددان گفته انتظار می‌رود کشورها به سیاست‌های غیرچندجانبه به عنوان «جانشین‌های استراتژیک»^۴ نگاه کنند: هر چقدر یک کشور مالیات کربن بیش‌تری بگیرد؛ بقیه‌ی کشورها کم‌تر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تلاش می‌کنند.

1. Green transition
2. Energy transition
3. Carbon leakage
4. Strategic substitutions



مالیات کربن بالا، فرصتی برای آربیتراژ کربن ایجاد می‌کند. از آنجا که صنعت فولاد، ۱.۸۵ تن کربن به ازای هر تن فولاد، تولید می‌کند سوئد هزینه‌ی تولید فولاد را تا ۲۱۰ دلار افزایش داده است. که به همین دلیل واردات فولاد چینی را برای مصرف‌کنندگان فولاد جذاب‌تر کرده.

بدتر از این، مسئولین چینی انگیزه دارند که شرایط همینطور بماند. بدون مالیات کربن، صنعت فولاد چین رونق می‌یابد و این به صنعت و کارگران و سیاست‌مداران چینی کمک می‌کند. حتی اگر آن‌ها نیاز به مقابله با تغییرات اقلیمی را حس کنند، با توجه کردن به مالیات کربن سوئد، تلاش زیادی نمی‌کنند.

بنابر این به تعرفه‌های گمرکی محیط‌زیستی نیاز داریم که این منطق را با اتخاذ مالیات کربن بر واردات، برعکس کنند. سوئد مالیات مرزی‌ای اتخاذ کند که برابر با حاصل ضرب میزان کربن‌دی‌اکسید تولیدشده‌ی محصولات وارداتی و اختلاف میان مالیات کربن سوئد و کشور صادرکننده است.

واضح‌ترین سود تعرفه‌های محیط‌زیستی، کاهش پدیده‌ی «نشست کربن» است. با باطل کردن سود حاصل از واردات کربن از کشورهای با مالیات کربن کم‌تر، صنعت فولاد تشویق می‌شود که به سمت منابع پاک‌تر داخلی یا صادرکنندگان با آلاینده‌ی کم‌تر برود.

ولی تأثیرات غیرمستقیم تعرفه‌ی محیط‌زیستی می‌توانند مهم‌تر هم باشند. مهم‌تر از همه چیز، تعرفه‌ی گمرکی، سیاست‌های کاهش تغییرات اقلیمی را به جای «جانشین‌های استراتژیک»، به «متمم‌های استراتژیک»^۵ تبدیل می‌کند. این بدان معنی است که مالیات کربن سوئد، بقیه‌ی کشورها را به اتخاذ سیاست‌های مشابه تشویق می‌کند.

منطقش ساده است. بدون تعرفه‌های گمرکی، مالیات کربن سوئد، به تولیدکنندگان فولاد چینی فرصت آربیتراژ می‌دهد. ولی همین که کشورهای بیش‌تری شروع به اتخاذ مالیات‌های مرزی بر

5. strategic complements



جمع‌بندی

در نهایت برخی صاحب‌نظران نگرانند که در یک «نظم لیبرال جهانی»، سیاست‌های جهانی مهم باید از طریق همکاری‌های چندجانبه دنبال شود. این هم ممکن است درست باشد ولی حقیقت این است که توافق‌های چندجانبه به اندازه‌ی کافی سریع نیستند تا جهان را طبق توافق جهانی پاریس، ۱.۵ درجه سلسیوس نگه دارند. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم ایمان به توافق چندجانبه، بهانه‌ای برای بی‌عملی باشد. تعرفه‌های محیط‌زیستی می‌توانند یک زنجیره‌ی مثبت سیاست‌های کاهش تغییرات اقلیمی در سراسر جهان ایجاد کند و در به کارگیری این سیاست‌ها نباید تاخیر کنیم.

واردات کنند، سیاستمداران چینی تمایل پیدا می‌کنند تا برای پاکیزه‌سازی فرآیندها، به صادرکنندگان چینی کمک کنند. فارغ از اینکه از طریق مالیات یا سوبسید یا مقررات این کار را انجام می‌دهند، انتشار کربن‌دی‌اکسید چین کم می‌شود. و به محض اینکه تولیدکنندگان چینی، کربن‌دی‌اکسید کم‌تری تولید کردند، سیاستمداران چینی این انگیزه را دارند که تعرفه‌های محیط‌زیستی خودشان را اتخاذ کنند. چیزی که در برابر تعرفه‌های محیط‌زیستی ایستاده عمدتاً بهانه‌ها و بحث‌های گمراه‌کننده است. صنعت سوخت‌های فسیلی و آلوده‌کننده‌های بزرگ مثل چین به شدت مخالف تعرفه‌های محیط‌زیستی‌اند و خصمانه مبارزه کرده‌اند تا جلوی آن را بگیرند. که این کاملاً خودخواهانه است و باید نادیده گرفته شود. بحث دوم این است که تعرفه‌های محیط‌زیستی، همسو با سیاست «حمایت از تولید داخلی»^۶ است و نباید فرصت دیگری به این ایده داد. این ادعا منطقی نیست. زیرا تعرفه‌های کربن، مثل ایده‌ی سنتی «حمایت از تولید داخلی» عمل نمی‌کنند. علاوه بر این، تئوری سنتی تجارت، به این دلالت ندارد که آربیتراژ محصولات داخلی، باعث افزایش ثروت می‌شود. سومین اعتراض این است که تعرفه‌های محیط‌زیستی، ممکن است طبق قوانین سازمان جهانی تجارت، قانونی نباشند. در حقیقت، مطالعه‌ی سراسر از «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت»^۷، بیان می‌کند که کاملاً قانونی‌اند. از ماده‌ی سوم این توافق می‌توان استنباط کرد اگر کشوری مالیات کربن داخلی اتخاذ می‌کند اجازه‌ی اتخاذ همان مالیات بر واردات را نیز دارد.

6. protectionism

7. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

بلایای طبیعی

بهینا فتوحی | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

طبیعت مادر انسان است. مادری که دائماً در تلاش و تغییر بوده و با تحولات خود بستر رشد و تکامل فرزندان را فراهم می‌نماید. وقتی ابعاد و اندازه‌های بعضی از رویدادهای طبیعی از مقادیر مشخص قابل تحمل برای انسان و ساخته‌های او تجاوز کند، انسان از آن‌ها به بلایای طبیعی تعبیر می‌نماید. این رویدادهای بلیه‌ای دارای پتانسیل خسارات و تلفات هستند که برای کاهش آنها، شناخت و تحلیل این رویدادها برای برنامه‌های مدیریت‌های ریسک، اضطراری و بحران، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. پیشینه وقوع حوادث و بلایای طبیعی در جهان به درازای تاریخ بشر است. هیچ جایی از دنیا مصون از این حوادث نبوده و نیست. همه جوامع در برابر عوارض بلایای طبیعی، حوادث ناشی از استفاده از فناوری و خطرات ایجاد شده توسط انسان آسیب‌پذیر هستند. در این میان بلایای طبیعی منحصر به زلزله نبوده و مواردی چون طوفان، سیل، آتش‌سوزی وسیع، خشکسالی و ... را نیز شامل می‌گردد.

“

منابع

- Environmental Tariffs Could Be a Game Changer , <https://www.project-syndicate.org/>

”

مغنا

مقدمه

کشور ایران در کمربند جهانی زلزله قرار دارد و به همین سبب زلزله وجه غالب و اصلی بلایایی است که هر چند یکبار نقطه‌ای از کشورمان را در معرض آسیب و بحران قرار می‌دهد. از جمله این حوادث می‌توان به وقوع زلزله در شهرهای سلماس، بندرعباس، بوئین زهرا، طبس، رودبار و منجیل، بم، سرپل ذهاب و زلزله‌های پیاپی اخیر در استان‌های جنوب و جنوب شرقی اشاره کرد. بعد از زلزله سیل را می‌توان یکی از حوادث بحران‌زا در کشور به شمار آورد؛ افزایش بی‌رویه جمعیت، ساخت و سازهای شهری و گسترش آن تا حاشیه شهرها بدون برنامه‌ریزی مناسب و در نظر گرفتن استانداردهای ملی و

جهانی، پیشگیری و مقابله با بحران و حوادث مترقبه و غیرمترقبه، احتمال بروز فاجعه و خسارت را دو چندان کرده است. در هر جامعه این خطرات همه روزه منجر به وقوع حوادثی که از نظر بزرگی و شدت متفاوتند، می‌شود و حتی پتانسیل تبدیل شدن به فاجعه را نیز دارند. هر کدام از جوامع به تناسب موقعیت و وضعیتی که دارند، اقدامات و فعالیت‌هایی را به منظور کاهش خطرات و کسب آمادگی انجام می‌دهند تا عواقب ناشی از بروز این گونه حوادث را به حداقل برسانند.



پاسخ انسان به حادثه

نتایج پژوهش‌های ناشی از دهه‌ها فعالیت علم جامعه‌شناسی، می‌تواند به نحوه واکنش انسان در برابر وقوع بلایای طبیعی کمک نماید. یافته‌ها در این خصوص، تاثیر مثبت دارند. رفتار معمولی انسان‌ها، در شرایط بروز بلایا با تغییرات بسیاری مواجه می‌گردد. در زندگی معمول روزمره، توجه بسیاری از مردم به رفع نیازمندی‌های خود

و خانواده معطوف شده و دیگر ارتباطها در این خصوص بسیار سطحی به شمار می‌آیند. پس از وقوع بلایای طبیعی، دیدگاه‌ها یا فعالیت‌های درونگرا، به فعالیت‌ها و دیدگاه‌های برون‌گرایانه تبدیل خواهد شد. در زمان ارائه پاسخ‌های اولیه به بحران، حس عاطفی و انسان دوستانه افراد برانگیخته شده و افراد حس می‌کنند باید به هر نحو ممکن به هم‌نوعان خود حتی اگر غریبه باشند کمک نمایند. تجربه نشان داده که افراد در این شرایط، تمامی تلاش خود را برای کمک به هم نوع به کار می‌برند. پس از وقوع یک بلای طبیعی، مردم با یکدیگر ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و همبستگی اجتماعی مردم با یکدیگر زیاد می‌شود.

بزرگا، فراوانی و دوره بازگشت

خطرات طبیعی، به طور طبیعی در سطح زمین پراکنده نشده‌اند، برخی از مناطق زلزله‌های بزرگ، برخی طوفان‌های عظیم، بعضی از مناطق هر دو و نقاطی دیگر هیچ یک از این دو مورد را تجربه نمی‌کنند. در طول یک دوره زمانی چندساله یا حتی چند دهه‌ای ممکن است یک منطقه هیچ گونه حادثه طبیعی را تجربه ننماید. ولی اگر زمان مطالعه خود را به حد قابل قبولی افزایش دهیم، وقایع عظیم با انرژی بسیار زیاد می‌توانند در هر نقطه از کره زمین به وقوع بپیوندند. رابطه بین بزرگا و دوره بازگشت این است که هر چه بزرگا، کمتر باشد، دوره بازگشت نیز کمتر و هر چه بزرگا بیشتر باشد، دوره بازگشت آن حادثه نیز بیشتر خواهد بود.



بلایای طبیعی در ایران

۱ زلزله

ایران سومین کشور زلزله خیز در جهان است. ایران روی گسل‌های متعدد زلزله قرار دارد که هر از گاهی با لرزش شدید در نتیجه آن‌ها، فاجعه‌ای به یار می‌آید. صفحات تکتونیکی اوراسیا و عربستان، در فلات ایران با هم برخورد می‌کنند و همین مسئله وقوع زلزله در کشورمان را اجتناب ناپذیر کرده است.

ممکن است دریای سرخ و خلیج عدن زلزله‌های بزرگی را تجربه نکنند، ولی گسترش آنها موجب فشار آوردن صفحه عربی به صفحه اوراسیا می‌گردد و منجر به وقوع زلزله‌های شدید در آن مناطق می‌شود. صخره‌های سخت صفحه‌های قاره‌ای، همانند کوه به داخل سنگ‌های اوراسیا وارد می‌شود. نیروی ناشی از این برخورد، باعث به وجود آمدن رشته کوه کاکاسوس^۱ و زاگرس^۲ می‌شود و همچنین بسیاری از گسل‌ها را که زلزله‌های مرگباری که در منطقه باعث شده‌اند، به وجود می‌آورد.

زلزله‌های بزرگ در تمام پهنه ایران به وقوع می‌پیوندد. در ۵۰ سال گذشته، وقوع زلزله در ایران حدود ۲۰۰ هزار نفر را به کام مرگ کشیده است.

زلزله بم سومین زمین لرزه پرتلفات تاریخ ایران بعد از زلزله اردبیل و دامغان است. زلزله بم، زمین لرزه‌ای با بزرگی ۶/۶ ریشتر بود که در روز ۵ دی ۱۳۸۲ به مدت ۱۲ ثانیه شهر بم و مناطق اطراف آن در شرق استان کرمان را لرزاند. روش‌های ساختمان سازی در این شهر، ساخت و سازهای قدیمی خشتی و گلی با سقف‌های سنگین می‌بود. وقتی لرزش‌های زمین لرزه شروع شد، دیوارها خرد شدند و سقف سنگین فرو ریخت. خانه‌های تخریب شده، حدوداً جان ۵۰ هزار نفر را گرفت.

1. Cacasus
2. Zagros



یک راه دیگر در راستای شناخت فراوانی یک حادثه خاص، تطابق بلایای بزرگ با دوره بازگشت آن می‌باشد که در واقع برابر با تعداد سال‌های بین وقوع دو حادثه مشابه با بزرگای مشابه می‌باشد. به طور معمول، بلایای بزرگ با انرژی زیاد، دارای دوره بازگشت بیشتری هستند. شناخت بزرگ، فراوانی و دوره بازگشت یک حادثه خاص در یک منطقه جغرافیایی خاص، اطلاعات بسیار مهمی هستند ولی نمی‌توانند به تمامی سوالات ما پاسخ دهند، زیرا باید همچنان نسبت‌های اقتصادی سود و هزینه را مد نظر قرار دهیم.

خسارات اقتصادی ناشی از بلایای طبیعی

کشته‌ها و مجروحین ناشی از بلایای طبیعی، توجه ما را به خود معطوف نموده و احساسات ما را بر می‌انگیزد. این در حالی است که خسارات اقتصادی زیادی در پی وقوع بلایای طبیعی ایجاد می‌شوند که باید به آنها نیز توجه ویژه نمود. تخریب و عدم کارایی ساختمان‌ها، پل‌ها، جاده‌ها، نیروگاه‌ها و سامانه‌های انتقال برق، گاز طبیعی و آب، همچنین تمامی فعالیت‌های اقتصادی جوامع ما می‌توانند تحت تاثیر قرار گرفته و خسارات اقتصادی زیادی را بر ساکنان منطقه وارد نمایند. ابعاد خسارات اقتصادی بسیار بیشتر از تخریب سازه‌ها است. پس از بروز بلایای طبیعی، فعالیت بسیاری از صنایع و مشاغل متوقف می‌شود و این امر باعث کاهش بازدهی می‌گردد و جوامع با بسیاری از افرادی که شغل خود را از دست داده‌اند، مواجه می‌شوند. در سال ۲۰۰۵ حدود ۶۵۰ مورد حادثه در سطح جهان به وقوع پیوست، که منجر به بروز خسارات اقتصادی بسیاری شد. تعداد وقوع حوادث، قابل انتظار بود، در حالیکه خسارات اقتصادی و تلفات انسانی ناشی از آن، غیر قابل انتظار و تامل برانگیز بود. سال ۲۰۰۵، پرهزینه‌ترین سال برای صنایع بیمه‌ای بوده و تلفات انسانی مربوط به این سال پنجمین جایگاه را از نظر بیشترین تعداد تلفات در ۳۶ سال منتهی به سال ۲۰۰۵ به خود اختصاص داده است. خسارات اقتصادی در حدود ۲۱۲ میلیارد و خساراتی که توسط بخش بیمه پرداخت شده، در حدود ۹۴ میلیارد دلار آمریکا بوده است.

راهکارهای مقابله
با زلزله در جهان

طراحی سازه‌های
ضد زلزله
با لوله‌های مقوایی

استفاده از آلیاژهای
عصب شکل
در ساختمان‌ها

فوندانسیون شناور
و مقاوم در برابر زلزله

ستون‌های آسیب دیده
با پوشش فیبر کربنی

ستون‌های آسیب دیده
با پوشش فیبر کربنی

۲ فرونشست

در بسیاری از مناطق جهان، با خارج شدن مایعات زیر سطحی، سطح زمین به آرامی نشست می‌کند. وقتی که آب یا روغن با فشار از داخل زمین خارج شود یا به سطح زمین پمپ گردد، کاهش حجم مایعات و کاهش در فشار منفذی مایعات، باعث نمی‌گردد که دانه‌های سنگ‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و این امر منجر به فرونشست سطح زمین خواهد شد. مایعات موجود در سنگ‌ها، در تحمل وزن لایه‌های سنگی رویی دخیل هستند.

عوامل طبیعی و انسان‌ساز مانند استفاده بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی، تغییر اقلیم، گرمایش جهانی، استخراج غیراصولی از معادن، حفر چاه‌های غیرمجاز، حفر تونل‌های مترو و قطار شهری، حرکت آرام زمین و خروج گدازه، عواملی هستند شرایط فرونشست در کشور را تشدید می‌کنند؛ در این میان استفاده بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی بیشترین نقش را در افزایش

نرخ فرونشست داشته و در واقع مهار فرونشست در گرو بازیابی آبخوان‌های زیرزمینی است.

فرونشست در ایران از زمانی به‌صورت جدی مطرح شد که برای استخراج آب‌های زیرزمینی شروع به احداث بی‌رویه چاه‌های آب زیرزمینی شد؛ در گذشته جمعیت کمتر بوده و فشار به منابع آب زیرزمینی نیز کمتر بوده است اما از سال ۱۳۶۹ میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی از میزان آبی که منابع آب زیرزمینی را تغذیه می‌کند بیشتر شد.

در سال ۱۳۸۳ نخستین گزارش سازمان زمین‌شناسی در رابطه با پدیده فرونشست که با همکاری دانشگاه امپریال کالج لندن صورت گرفته بود؛ به طور رسمی منتشر شد و در آن زمان میزان فرونشست در تهران حدود ۱۶ سانتی‌متر در سال بود و از آن به بعد بود که سازمان به طور جدی به بررسی نرخ فرونشست در همه دشت‌های کشور پرداخت.

۳ سیل

سیل یکی از حوادث طبیعی غیر مترقبه محسوب می‌شود که در اثر طغیان آب و زیر آب رفتن بخش قابل توجهی از زمین رخ می‌دهد. در خلال یا پس از یک بارندگی شدید، مقدار دبی رودخانه به سرعت افزایش یافته و در نتیجه آب از بستر عادی خود سرریز و دشت سیلابی و مناطق اطراف را در بر می‌گیرد. با بررسی دشت سیلابی قدیمی و آبرفت‌های آن، شاید بتوان با درجه‌ای از تقریب احتمال وقوع و بزرگی سیل‌های آتی منطقه را مشخص کرد. اصولاً بزرگی سیل‌ها و تکرار آن‌ها در طول زمان تابع شدت بارندگی، نفوذپذیری زمین و وضع توپوگرافی منطقه است.

متوسط بارندگی در ایران یک سوم متوسط جهانی است. این یعنی ایران از این منظر در منطقه خشک و نیمه خشک قرار دارد و به عبارتی چندان سیل‌خیز نیست اما به دلیل شرایط اقلیمی بارندگی‌های رگباری در کشور حالت سیلابی مخرب به خود می‌گیرند. از

نظر خسارت‌های سیل ایران جز ۲۰ کشور اول دنیا است؛ به این دلیل که کنترلی روی سیلاب نیست. بارندگی‌های اخیر شاید در سال یک بار و در برخی مناطق کشور چند سالی یک بار صورت بگیرد اما چون اقدام ویژه‌ای برای کنترل سیل صورت نمی‌گیرد خسارت زیادی به جای می‌گذارد.

استان‌های فارس، گلستان، خراسان رضوی، هرمزگان و سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۸۰ تاکنون محل وقوع ۱۹۲۳ سیل کوچک و بزرگ بوده‌اند و قربانیان اصلی این پدیده محسوب می‌شوند.

همچنین در فروردین سال ۹۸ بر اساس ارزیابی سازمان برنامه و بودجه ایران، ۴/۷ میلیارد دلار خسارت سیل به شهرهای کشور وارد شد. در این دوره زمانی، از میان ۳۱ استان کشور، در ۲۶ استان سیلاب با شدت‌های مختلف به وقوع پیوست و حدود ۱۹۰۰ شهر و روستا به دلیل سیلاب دچار خسارت کالبدی شدند.



جمع‌بندی

محیط زیست نقش غیر قابل انکاری در روند زندگی جوامع بشری دارد که این نقش را هم به شکل مثبت و هم به شکل منفی نشان می‌دهد. برای کسب توسعه پایدار نباید از نقش محیط زیست غافل شد کما اینکه باید بتوان تاثیرات منفی محیط زیست بر زندگی بشر را به حداقل رساند و یا این تاثیرات را در کنترل بشر درآورد. سالانه در تمامی نقاط جهان بلایای گوناگونی با خسارات مالی و جانی فراوان رخ می‌دهد که این خسارات نقش منفی در عملکرد اقتصادی کشورها از خود به جای می‌گذارد. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تمامی به دنبال کنترل روند آسیب محیط زیست به جوامع هستند که در این بین ژاپن مثال مناسب و آشنایی است. ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود، بلایای خاص خود را نیز تجربه می‌کند و باید با توجه به تجربه کشورهای موفق در این عرصه‌ها، مسیر خود را در کنترل بلایای طبیعی هموار سازد و خسارات اقتصادی وارد شده را به حداقل برساند.

“

منابع

- ال. بوت، پاتریک. بلایای طبیعی (جلد اول و دوم) ترجمه حسنی، نعمت، کریم لو، کیوان، ندای کارآفرین، ۱۳۹۲
- حسنی، نعمت. ژاپن چگونه ژاپن شد، بینش نو، ۱۳۸۹
- افشار مجید، امین، ۱۳۹۶، بهبود کنترل لرزه‌ای سازه‌های قابی در برابر زلزله‌های دور و نزدیک به گسل با استراتژی جدید کنترل گر بهینه خطی گوسی، مهندسی عمران، شماره ۲، صفحه ۲۱ تا ۳۲
- شمشکی، امیر. بلورچی، محمد جواد. انتظان سلطانی، ایمان، ۱۳۸۴، فرونشست زمین در دشت تهران و عوامل موثر در شکل‌گیری آن، سمپوزیوم علوم زمین، شماره ۲۴

”

مختص

چرایی ارتکاب جرم از منظر اقتصاد

سیده زهرا صید

دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه الزهرا

مقدمه

جرم پدیده‌ای چندوجهی است و به زبان ساده به انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در قانون برای آن مجازاتی پیش بینی شده اتلاق می‌شود. در مکتب نئوکلاسیک، فرد اقتصادی تصمیم‌هایی با حداکثر مطلوبیت انتظاری اخذ می‌کند، ارتکاب جرم نیز به همین منوال است. سال‌هاست اقتصاددانان به رابطه میان توسعه اقتصادی و امنیت اجتماعی پی برده‌اند و رابطه تنگاتنگ آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

از منظر رفتاری، اطلاعات کاملی در اختیار انسان برای تصمیم‌گیری وجود ندارد و در هنگام تصمیم‌گیری پیرو دو سیستم منطقی و شهودی است. سیستم شهودی برخلاف سیستم منطقی وابسته به محیط پیرامون، احساسات و فرهنگ است. اما سیستم منطقی آرام، آموختنی و تحت کنترل است. در اقتصاد جرم و مجازات، مجرمان مانند فعالان سایر فعالیت‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند، منافع و هزینه‌هایشان را می‌سنجند و در صورتی که منافع رفتارشان از هزینه‌های آن بیشتر باشد آن را اجرایی می‌کنند. جوین نترلر (۱۹۸۴)، جامعه‌شناس، رابطه بین اقتصاد و جرم را چنین تعریف می‌کند: رفتار افراد تا حد زیادی با بررسی شرایط محیط و اجتماع قابل پیش‌بینی است و رفتارهای ناپهنجار و غیرعادی در جرم‌شناسی را باید به عنوان یک عنصر اجتماعی تلقی کرد نه یک عنصر زیست‌شناختی.

مدل اقتصاد جرم (CEM)

افراد است، این هزینه برای افراد فقیر و بیکار کمتر از افراد شاغل است زیرا بیکاری مهم‌ترین متغیر اقتصادی اثرگذار بر درآمد قانونی افراد است، بنابراین استقبال این دو قشر را از ارتکاب جرم توجیه‌پذیر می‌کند.

کاکامو^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در ژاپن به بررسی ۱۸ نوع جرم مختلف با استفاده از مدل پنل بی‌زین فضایی پرداختند. طی این بررسی، آن‌ها دریافتند بخش عمده‌ای از جرائم همبستگی منفی با درآمد و همبستگی مثبت با بیکاری در این کشور داشتند. صادقی و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیق خود دریافتند، در ایران نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی دارای ارتباط مستقیم با نرخ سرقت و افزایش نرخ صنعتی شدن دارای ارتباط منفی با نرخ سرقت است. همچنین نتایج تحقیق علل اقتصادی ارتکاب قتل در ایران بر این دلالت دارد که متغیرهای نرخ بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمدی از جمله عوامل تعیین‌کننده ارتکاب قتل در ایران بوده و با آن رابطه مستقیم داشته است.

گری بکر^۲ (۱۹۶۸)، اقتصاددان آمریکایی با تعمیم نظریات اقتصادی به مشکلات اجتماعی تابع مطلوبیتی برای مجرمان تعریف کرد. تابع به طور کلی $U_i = U_i(F_i, P_i)$ است. $0_i = 0_i$ تعداد جرائمی است که فرد i در یک دوره انجام می‌دهد، P_i احتمال محکومیت فرد i ، F_i مجازات تعیین شده برای مجرم و U_i سایر عوامل موثر بر ارتکاب جرم است. (Becker, 1968: 170-172)

طبق این تابع انتظار می‌رود با افزایش میزان F_i و P_i جرم و جنایت کاهش یابد و هرچیزی که موجب افزایش درآمد جرم شود فرد را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد. طبق نظریه بکر هر موردی که منافع جرم را افزایش دهد باعث می‌شود ارتکاب جرم توجیه اقتصادی داشته باشد و نرخ ارتکاب جرم را افزایش دهد. با وجود تورم و بیکاری بالا انتظار می‌رود نرخ ارتکاب جرم بالا باشد، زیرا افراد کم درآمد و بیکار منافع ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن در می‌یابند و از انجام آن استقبال می‌کنند. مورد دیگر هزینه فرصت دستگیری و مجازات برای

2. Gary Stanley Becker

3. Kakamu



1. Gynne Nettler



جرم از دیدگاه مارکسیسم

مارکس اصل جامعه را اقتصاد و سایر موارد از قبیل خانواده، سیاست، اخلاق و فرهنگ را فرع می‌داند. وی اکثر بزهکاران را از مردم فقیر و کم درآمد جامعه می‌داند زیرا معتقد بود بزهکاری ناشی از فقر است و تقسیم ناعادلانه ثروت موجب ارتکاب جرم می‌شود. از نظر او، تاریخ جوامع بشری تجلی ستیز گروه‌هایی است که مارکس آن‌ها را طبقات اجتماعی می‌نامد. تضاد میان دو گروه متخاصم یعنی پرولتاریا و بورژوازی سرانجام به انقلاب کمونیستی می‌انجامد و از آن‌جا که همه جوامع

به طبقات متخاصم منقسم بوده‌اند جامعه کنونی یعنی جامعه سرمایه‌داری نیز به یک معنا با جوامع پیشین تفاوت ندارد. (توسلی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰)

مارکس فساد، رفتار خلاف اخلاق، دزدی و جنایت را در درجه اول ناشی از فقر که برگرفته از سیستم سرمایه‌داری است می‌داند. لذا در یک تحلیل مارکسیستی از نرخ جرم و جنایت، عامل اصلی طغیان و سرکشی قشر فقیر نسبت به قشر ثروتمند، تضادهای طبقاتی است که به دنبال ایجاد طبقات مقابل هم به وجود آمده‌اند.



چرا هزینه جرائم برای اقتصاددانان حائز اهمیت است؟

از دیدگاه اقتصادی هزینه‌های تولید و عرضه، قیمت کالا و خدمات را در بازار تعیین می‌کند در نتیجه شناخت هزینه‌ها به عرضه‌کننده و تقاضاکننده کمک می‌کند تا بهترین قیمت را انتخاب کنند. تعیین هزینه جرائم نیز قیمت‌های واقعی آن‌ها را در نزد عرضه‌کنندگان (بزهکاران و بزه‌دیدگان) نشان می‌دهد. در اقتصاد سنتی هزینه جرائم به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. هزینه‌ای که مجرم با ارتکاب جرم تحمل می‌کند مانند هزینه فرصت از دست رفته که فرد به جای مجازات می‌توانست برای خانواده خود فرد تأثیرگذاری باشد.
 ۲. هزینه‌هایی که به طور مستقیم از رفتار مجرمانه ایجاد می‌شود و از مجرم به فرد بزه‌دیده وارد می‌شود.
 ۳. هزینه‌هایی که جامعه برای پیشگیری و مجازات برای حوادث مجرمانه می‌پردازد.
- از نظر اقتصاددانان، جرم، عملی غیراخلاقی است که جامعه را متضرر می‌کند و از آن‌جایی که ریشه‌کنی آن امکان پذیر نیست، بنابراین برای جلوگیری و کاهش آن باید منابعی را اختصاص داد. دستگاه عدالت کیفری با توجه به سیاستی که اتخاذ می‌کند هزینه‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کند، تحلیل این هزینه‌ها به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با سیاست‌گذاری درست سطح رفاه اجتماعی را از نظر اقتصادی افزایش دهد. هزینه جرائم بین فرد بزه‌دیده، بزهکار و جامعه توزیع می‌شود که در این بین هزینه فرد بزه‌دیده از سایرین بیشتر است. اگر شرایط اجتماعی و سیاست‌گذاری جنایی بتوانند هزینه‌های جرم را افزایش دهند به طوری که منفعت جرم از هزینه آن کمتر باشد ارتکاب و خطر وقوع کاهش می‌یابد. متأسفانه با وجود آشکار بودن این هزینه‌ها سیاست جنایی کشورهای ایران هیچ توجهی به آن‌ها نداشته و با اتخاذ سیاست‌های غیرکارشناسانه، جابجایی جرم و مجرم را در مواردی در پی داشته و هزینه‌های آن را برای جامعه از پیش بیشتر کرده است.



افزایش جرایم به دنبال تورم افسارگسیخته در ایران

افزایش جرایم عمومی مثل سرقت تجهیزات شهری نظیر مجسمه، تابلوهای راهنمایی و رانندگی، پل و غیره بخش دیگر از مواردی است که به دنبال تورم و کاهش قدرت مالی مردم این روزها اتفاق می‌افتد. به گفته مهدی گلشنی از مقامات شهرداری تهران، سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۵۵ میلیارد تومان از تجهیزات ترافیکی شهر تهران به سرقت رفته است. میزان این سرقت‌ها در بخش کابل‌های برق رقم سنگین‌تری نیز است. ارتکاب جرم در ایران در همین مورد خلاصه نمی‌شود. در جامعه امروز ایران شاهد زورگیری و سرقت‌های خیابانی به طور گسترده هستیم که همه آن‌ها تبعات فقر و گرانی است. سرقت تلفن همراه در راس سرقت‌ها قرار دارد. همچنین

آمارها خبر از افزایش ۲ درصدی سرقت منازل می‌دهند. در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا نیمه اول ۱۴۰۰، زیر ۱۸ ساله‌ها بخش عمده‌ای از این سرقت‌ها را مرتکب شده‌اند و سن دزدی ۶ تا ۷ سال کاهش داشته است. خانواده این افراد شرایط اقتصادی مناسبی ندارند و با توجه به اینکه ۶۰ درصد افراد جامعه زیر خط فقر و ۴۰ درصد در فقر مطلق قرار دارند این آمار بسیار دور از ذهن نیست و این کودکان ناچار به درآمدزایی برای خانواده خود هستند. همه این‌ها خبر از یک بحران اجتماعی را می‌دهند. با توجه به اینکه ایران با یک ابر تورم دست و پنجه نرم می‌کند افزایش شکاف طبقاتی روز به روز شفاف‌تر می‌شود. این شکاف پیامدهایی نظیر افزایش



جرم را کاهش دهد؟ با وجود شواهدی مبنی بر اینکه هزینه مبارزه با جرم، مانند زندان حتی نه تنها باعث کاهش ارتکاب جرم نشده بلکه با ایجاد شرایط مطلوب‌تری مثل غذا و سرپناه رایگان برای بعضی از افراد موجب تقویت بزهکاری نیز شده است. با شرایط اجتماعی و اقتصادی کنونی ایران افزایش هزینه جرائم برای مجرمین کلید کاهش نرخ جرم نیست بلکه باید به درمان فقر و بیکاری پرداخت. ارتکاب جرم مقوله‌ای است که به دلیل وجود هزینه‌های مذکور نیاز به مقابله دارد اما مقابله با ارتکاب جرم و جنایت فقط با برخورد نیروهای انتظامی و با افزایش مجازات صورت نمی‌گیرد و ریشه‌یابی آن در ابعاد مختلف تاثیرگذار است. به عبارتی جرم دارای ریشه‌های اقتصادی است و برای کاهش نرخ آن اقتصاددانان نیز می‌توانند اثرگذار باشند.

جرم، جنایت، خودکشی و اعتیاد برای گروه محروم جامعه دارد. افزایش نرخ سرقت با نرخ تورم رابطه مستقیم دارد و در بلند مدت تاثیر بیشتری از بیکاری بر نرخ جرم دارد، به همین علت ۴ برابر شدن میزان سرقت در ایران توجیه پذیر است. سرقت‌های خرد افزایش یافته و معمولاً به شیوه‌ای خشن انجام می‌شوند و باعث ایجاد دلهره و ترس برای شهروندان می‌شوند. آمار دیگری که قابل توجه است و به فرضیه «مشکلات معیشتی دلیلی بر ارتکاب جرم اند» قوت می‌بخشد، آمار سرقت اولی‌ها است. به گفته علیرضا لطفی، رئیس وقت پلیس آگاهی تهران ۵۰ درصد سرقت‌هایی که انجام می‌شوند متعلق به افرادی است که برای بار اول دست به ارتکاب جرم می‌زنند و به اصطلاح سرقت اولی هستند.^۴ افزایش سهم این گروه در کل سرقت‌ها تاثیر شرایط اقتصادی را بر میزان جرم و جنایت پررنگ‌تر می‌کند. اما آیا دولت ایران با افزایش هزینه جرائم برای مجرمین می‌تواند نرخ



4. <https://aftabnews.ir/fa/news/778322>

اقتصاد رفتاری در مسیر توسعه صنعت بیمه

فاطمه جمور | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

زلزله، سیل، تصادفات، سرقت و... همگی مصداق آشنا و محتمل از مفهوم خطرات اجتناب ناپذیر و روزانه هستند. بشر امروزی به منظور جلوگیری از ضررهای مالی و اقتصادی با توجه به حوادث و بلایای طبیعی و غیر طبیعی که متحمل می‌شود؛ نیاز به صنعت بیمه دارد. بنابراین دلیل وجود بیمه ریسک‌گریزی می‌باشد. شرکت‌های بیمه‌ای خصوصی و دولتی بسیار زیادی نیز در طی این چند دهه اخیر با به این عرصه از فعالیت‌ها گذاشته‌اند تا بتوانند خدمات و پوشش‌های بیمه‌ای خود از خسارت‌ها و هزینه‌های افراد مختلف جلوگیری نمایند. آنجایی که رشد و فراگیری صنعت بیمه در کمک به کاهش هزینه‌های آتی دولتی و ملی نقش به‌سزایی دارد، اکثر دولت‌های جهان برنامه‌های حمایتی ویژه‌ای برای تشویق گروه‌های مختلف جامعه جهت تحت پوشش قرار گرفتن خدمات بیمه‌ای تدارک دیدند. «در چهار دهه گذشته شواهد اقتصاد رفتاری کمک قابل توجهی به فهم بهتر رفتار اقتصادی افراد کرده‌است. در صنعت بیمه، شواهد اقتصاد رفتاری نشان می‌دهند که تحلیل مبتنی بر عقلانیت نمی‌تواند رفتار برخی از تصمیم‌گیران صنعت بیمه را توضیح دهد. شواهد نشان می‌دهد که در بسیاری از مواقع بیمه ناکافی و در مواردی بیمه بیش از حد خریداری می‌شود. در مواردی افراد بیمه‌هایی می‌خرند که توجیه هزینه-فایده ندارد و در مواردی دیگر، افراد از بیمه‌های رایگان و دارای یارانه استقبال نمی‌کنند. این شواهد نشان می‌دهند که رفتار برخی از تصمیم‌گیران صنعت بیمه با مدل‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی سازگار نیست. بنابراین، استفاده تصمیم‌گیران از سوگیری‌های رفتاری و میانبرهای ذهنی به عنوان یک توضیح بالقوه مطرح می‌شود.»



“

منابع

- غلام‌عباس، توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۰
- هدایت‌اله، ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۸۲
- شاکری، عباس، اقتصاد کلان، تهران، ۱۳۸۷
- صادقی، حسین، شقاقی شهری و وحید اصغری‌پور، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، ۹۰-۶۳
- بکر، گری، جرائم و مجازات‌ها با نگرش اقتصادی، ۱۹۶۸
- بادینی، حسن، مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲
- روزنامه دنیای اقتصاد، افزایش سرقت تجهیزات ترافیکی شهر، شماره خبر ۳۸۷۴۳۷۲
- سازمان برنامه و بودجه کشور، سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۹

”

مغنا

روانشناسی پذیرش بیمه

طبق آنچه راجع به تاثیر عواملی جدای از آنچه مدل‌های کلاسیک صحبت شد، به نظر می‌رسد مهمترین عوامل جانبی تاثیرگذار مورد بحث در حوزه علوم روانشناسی و انفعالات روانی می‌باشد که از عمده این موارد می‌توان به تصمیمات فردی، خطاهای ذهنی، پیش فرض‌های قبلی و نحوه تحلیل شخصی موقعیت اشاره کرد.

۱ تعدد انتخاب و پیچیدگی

طبق یافته‌های روانشناسی هنگامی که تعداد انتخاب‌های پیش رو زیاد می‌شود، به علت خطای ذهنی گمراهی مقطعی رخ داده و افراد به علت سردرگمی انتخابی انجام نمی‌دهند. برای مثال طبق تحقیقات اماری هابرمین و جیانگ در سال ۲۰۰۴ هنگامی که کارفرمایان انواع مختلفی از بیمه‌های بازنشستگی را پیشنهاد می‌کردند، احتمال مشارکت کارکنان کمتر می‌شد. به تعویق انداختن انتخاب‌های پیچیده و سخت یکی از حالت‌های معمول تصمیم‌گیری ذهنی است.

۲ عدم درک مزایا و هزینه‌ها

تعدد گزینه علاوه بر تاثیر بر تعویق انتخاب، ممکن است منجر به عدم درک درست از مزایا و هزینه‌ها شود. با توجه به اینکه اصل ریسک‌گریزی دلیل اصلی مشارکت مردم در طرح‌های پوششی بیمه است، عدم درک درست این اصل انتخاب را برای بیمه شونده دچار مشکل می‌کند.

۳ تصور نادرست از ریسک

مفهوم ریسک از دید افراد مختلف با توجه

به تجربه و پیش زمینه‌های گوناگون، متفاوت است. افراد همچنین دارای سوگیری‌های خود ترویجی در ارزیابی ریسک هستند. طبق مطالعات واینستین در ۱۹۸۰ مردم تمایل دارند بیش از حد خوش بین باشند و پیامد خطرات آتی را دست کم بگیرند. به عنوان مثال، توجه داشته باشید که وزن دادن بیش از حد به احتمالات کوچک ممکن است باعث شود که افراد احتمال بیشتری برای بیمه داشته باشند، در حالی که خوش بینی بیش از حد ممکن است باعث شود که آنها کمتر بیمه شوند. هر دو نیرو ممکن است در مورد «شکست ناپذیران جوان» (اشاره به نرخ بالای جوانان بدون بیمه) اعمال شوند، و مشخص نیست که انتظار می‌رود کدام یک بر آن غالب باشد. در حالی که بسیاری از عدم پوشش این گروه احتمالاً به دلیل عوامل دیگر است، برخی شواهد نشان می‌دهند که درجه نسبتاً بالایی از تحمل ریسک در این امر نقش دارد. اگرچه تمایل بیشتر به پذیرش ریسک ممکن است صرفاً ترجیحات را منعکس کند، اما ممکن است تا حدی به دلیل درک ریسک مستعد یا مغرضانه باشد. پیش‌فرض‌های ذهنی نقش مهمی در تصور افراد دارند. برای مثال: در دو کشور اسکانندیناوی سوئد و دانمارک درصد افرادی که مایل به اهدا عضو هستند به ترتیب ۸۵/۹ و ۴/۲۵ درصد است. در مواجهه با این شواهد، اقتصاددانان معمولاً به دنبال مشوق‌های مالی هستند، البته که عده ای فکر می‌کنند که این اختلافات نشان‌دهنده اختلافات فرهنگی است. اما دو کشور سوئد و دانمارک را می‌توانیم از لحاظ فرهنگی بسیار شبیه به هم



پژوهش‌های متعددی در اقتصاد رفتاری نشان می‌دهند که مردم همیشه توانایی گرفتن تصمیمات مبتنی بر سود و زیان را ندارند. بیشتر افراد برای پیشینه ساختن درآمدهای خود و محاسبه دقیق هزینه‌ها نسبت به سودها اقدام مناسبی را انجام نمی‌دهند؛ با اطلاعات کامل عمل نمی‌کنند و حتی تاثیرات آتی تصمیمات کنونی خود را نیز با دقت تحلیل نمی‌کنند. به گفته پیروان تئوری‌های اقتصاد رفتاری، مردم تا جایی اقدام می‌کنند که احساس «رضایت» در رابطه با تصمیم گرفته شده داشته باشند. اقتصاددانان رفتاری به چگونگی رفتار عادی مردم با «منطق محدود شده» اشاره می‌کنند. منطق محدود شده به معنای محدودیت اطلاعات و زمان در ظرفیت پردازش آن‌ها، باعث می‌شود مردم از مدل‌ها و الگوهای خاصی در تصمیم‌گیری پیروی کنند. برخی اقتصاددانان این مدل‌ها را نوعی تمایل به خطا در نظر می‌گیرند.

طبق آمار در ایالات متحده از هر ۶ نفر ۱ نفر فاقد بیمه درمانی می‌باشد، تقریباً دو سوم از افراد بیمه نشده در خانواده‌هایی با درآمد کمتر از حد متوسط زندگی می‌کنند، اما نکته قابل توجه این است که بخش قابل توجهی از این افراد به حداقل یکی از بیمه‌های دولتی یا خصوصی با هزینه بسیار کم و به صرفه دسترسی دارند. در سال ۲۰۱۱ تخمین زده شده است از حدود ۷ میلیون کودک فاقد بیمه درمانی تقریباً ۶۵ درصد واجد شرایط ثبت نام بیمه درمانی رایگان بودند.





حساسیت به عوامل کانال

مجموعه‌ای از یافته‌های مرتبط نزدیک در روان‌شناسی و اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد که رفتار انسان تحت تأثیر انواع نشانه‌های زمینه‌ای جزئی یا «عوامل کانالی» است که در آن تصمیم‌ها گرفته می‌شوند. این عوامل زمینه‌ای می‌توانند رفتار را به سمت یا دور از یک نتیجه تصمیم خاص هدایت کنند. نتیجه این است که هزینه‌های کوچک و به ظاهر ناچیز، که گاهی به عنوان هزینه‌های بدون دردسر شناخته می‌شوند، ممکن است تأثیر بیشتری بر تصمیم‌گیری‌ها نسبت به مدل استاندارد داشته باشند. به عنوان مثال، ثبت نام خودکار در برنامه‌های بازنشستگی تحت حمایت کارفرما به طور چشمگیری جذب را افزایش می‌دهد.

وابستگی مرجع و چارچوب بندی

حتی در صورت عدم وجود موانع برای پذیرش و زمانی که افراد به درستی شرایط تصمیم را درک می‌کنند، اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد که ترجیحات فردی ممکن است پایدار نباشد. یکی از این یافته‌ها این است که افراد ترجیحات وابسته به مرجع دارند و به‌ویژه، از دست دادن گریزان هستند، به این معنا که انگیزه بیشتری برای اجتناب از ضرر دارند تا تضمین سود. در نتیجه، افراد می‌توانند تحت تأثیر روشی که گزینه‌هایشان نسبت به یک نقطه مرجع قاب‌بندی می‌شوند، قرار بگیرند. علاوه بر این، وابستگی به مرجع می‌تواند منجر به سوگیری وضعیت موجود شود. یعنی مردم به طور نامتناسبی ترجیح می‌دهند به آنچه دارند قانع باشند.

تأثیر مقایسه‌های اجتماعی

انحرافی دیگر از ساده‌ترین مدل اقتصادی استاندارد، شواهدی است که نشان می‌دهد انتخاب مردم ممکن است همیشه صرفاً به نفع شخصی نباشند. آن‌ها همچنین به رفاه دیگران، انصاف و هنجارهای اجتماعی اهمیت می‌دهند. به نوبه خود، ادراک از انصاف یا هنجارهای اجتماعی می‌تواند بر تصمیم‌گیری و رفتار تأثیر بگذارد. در حوزه‌های دیگر، تحقیقات شولتز در سال ۲۰۰۷ نشان داده است که برجسته کردن هنجارهای اجتماعی، مانند مقایسه رفتار افراد با رفتار همسایگان،

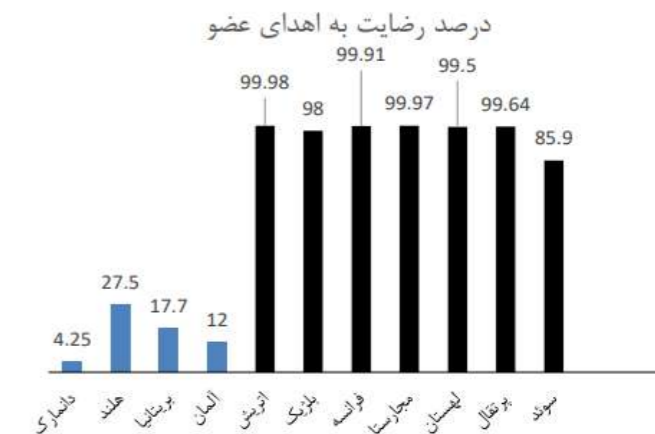


فوری به تعویق می‌اندازند و تمایل دارند به ضرر و زیان‌ها و سودهای فعلی در مقابل ضررها و سودهای مشابه در آینده وزن زیادی بدهند.

این نوع ارجحیت‌های جانبدارانه نشان می‌دهد که افراد تحمل هزینه‌ها را به تعویق می‌اندازند حتی اگر انجام این کار باعث کاهش رفاه آنها در بلندمدت شود. تناقض زمانی و سوگیری فعلی بر تصمیم‌گیری بیمه تأثیر می‌گذارد. افرادی که ترجیحات ناسازگار با زمان دارند، ممکن است نزدیک‌بین باشند یا به تعویق انداختن کارشان دل ببندند. این ممکن است جذب بیمه را کاهش دهد زیرا هزینه‌های حق بیمه در حال حاضر ممکن است در مقایسه با مزایایی که ممکن است فقط در آینده حاصل شود، وزن نسبتاً سنگینی داشته باشد. شواهدی که نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان به حق بیمه‌هایی که در کوتاه‌مدت پرداخت می‌شوند، بیشتر از سطوح مورد انتظار تقسیم هزینه‌ها که بعداً متحمل می‌شوند، واکنش نشان می‌دهند، با سوگیری فعلی سازگار است.



در نظر بگیریم. جالب آن است که در جستجوی پاسخ به این پرسش حتی اثر نرخ‌های متفاوت مالیات هم مورد آزمون قرار گرفته است. مثال فوق از معروفترین موارد نقش پیشفرض‌ها است که توسط جانسون در سال ۲۰۰۴ ثبت شد. تفاوت فاحش میان درصد تمایل به اهدای عضو تنها با اثر پیشفرض و تفاوت میان گزینه اشتراک‌گزين و انصراف‌گزين قابل توضیح است. گزینه انصراف‌گزين به معنی انصراف از حالت پیشفرض قبلا انتخاب شده (گزینه موردنظر) و گزینه اشتراک‌گزين به معنی انتخاب گزینه مورد نظر است. در مورد اهدای عضو، در سوئد افراد به‌صورت پیشفرض اهداکننده عضو به‌حساب می‌آیند و اگر مایل به اهدا نباشند باید فرم مربوطه را پر کنند، در صورتیکه در دانمارک افراد برای اهدای عضو باید اقدام کنند و همین طراحی ساده توضیح دهنده اختلاف فاحش میزان اهداکنندگان بالقوه در دو کشور است.



تصمیمات فعلی و خودکنترلی

انتخاب بیش از حد، عدم‌درک و درک نادرست از خطر می‌تواند تصمیم‌گیری بهینه را برای افراد دشوار کند، اما این تنها یا حتی مهم‌ترین نوع مانع رفتاری برای پوشش بهینه نیست: افراد نیز ممکن است انجام عمل را برایشان مشکل باشد. به طور بهینه یا برای اجرای تصمیمات خود. برای مثال، مجموعه‌ای از یافته‌های رفتاری، شواهدی را نشان می‌دهد که افراد اراده محدودی دارند و انتخاب‌هایی انجام می‌دهند که در طول زمان ناسازگار هستند. مردم گاهی اوقات فعالیت‌هایی را با هزینه‌های



جمع‌بندی

موفقیت اصلاح بیمه به طور اساسی به درک مولفه‌های رفتاری پوشش و پذیرش بستگی دارد. فرآیند جذب در بیمه احتمالاً به همان اندازه که توسط علم اقتصاد و روانشناسی اداره می‌شود، احتمالاً می‌تواند بسیار مؤثرتر در یک طراحی سیاست آگاهانه رفتاری استفاده شود. اقتصاد رفتاری با موفقیت سیاست‌هایی را برای افزایش پذیرش در زمینه‌های دیگر ارائه کرده است. بکارگیری روانشناسی تصمیم‌گیری در پوشش بیمه هم ماهیت مشکل (از جمله موانع ثبت‌نام و الگوهای پوشش بهینه اجتماعی) و هم اثربخشی راه‌حل‌های مختلف سیاستی (شامل پذیرش کلی و هدف قرار دادن جمعیت‌های خاص) را روشن می‌کند. در حالی که یافته‌های اقتصاد رفتاری در سایر حوزه‌ها به وضوح مرتبط هستند، شواهد مستقیم بیشتری در مورد اینکه چگونه این نیروها در زمینه خاص بیمه عمل می‌کنند مورد نیاز است. شواهد موجود نه تنها به جهت گیری‌های متمرکز برای تحقیقات آینده، بلکه به ابعاد مولد برای اصلاح سیاست و آزمایش نیز اشاره دارد. طراحی سیاست‌هایی که عوامل رفتاری را در نظر می‌گیرند، ممکن است پوشش کلی را بهبود بخشد و همچنین می‌تواند منابع را برای آن دسته از جمعیت‌هایی که بیشترین بهره را از آنها می‌برند، هدف قرار دهد.

می‌تواند رفتارهای اجتماعی را تشویق کند. شواهدی از این اثرات در پوشش بیمه سلامت وجود دارد. به عنوان مثال، سورنسون در سال ۲۰۰۶ شواهدی را یافت که با تأثیرات اجتماعی در انتخاب طرح سازگار است. یکی از پیامدهای تأثیرات مقایسه اجتماعی بر پوشش بیمه سلامت این است که افزایش پوشش ممکن است در سطح اجتماعی خودتقویت‌کننده باشد، هر چه بیشتر افراد تحت پوشش قرار می‌گیرند، هنجار داشتن بیمه درمانی ممکن است قوی‌تر و تأثیرگذارتر شود. به طور مشابه، اگر احکام پوششی نگرش‌های اجتماعی را که تشویق به پذیرش می‌شود درگیر و تقویت کنند، ممکن است مؤثرتر از آن چیزی باشند که مجازات‌های پولی به تنهایی نشان می‌دهند.



در باب نقد اقتصاد رفتاری

آیسان عدل‌زاده | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

مبین حیران | دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

آن ترجیح می‌دهد و به عبارتی عقلایی رفتار می‌کند و اقتصاد رفتاری مدعی این است که تمامی رفتارهای انسان بر این اساس نیست و انسان بر تصمیم‌گیری درست توانایی تام نداشته و یا اگر داشته باشد با توجه به شرایط این تصمیمات می‌توانند دچار انحراف شوند. اما اقتصاددانان هیچ وقت تصور نکردند که انسان واقعاً به همین ترتیب عمل می‌کند.

در واقع، مدل انسان اقتصادی هرگز به عنوان یک تصویر روان‌شناختی واقع‌گرایانه از رفتار انسان نبوده؛ در عوض، رویکرد اقتصادی مبتنی بر انتخاب عقلانی یک روش تحلیلی است، نه یک فرض در مورد انگیزه‌های خاص و مدل انسان اقتصادی یک دستگاه تحلیلی است و یک ساختار نظری برای پیش‌بینی رفتار اجزای یک اقتصاد نظیر مصرف‌کننده، تولیدکننده و دولت.

اقتصاددانان معتقدند اگرچه فرد ممکن است رفتار غیرعقلایی انجام دهد ولی چارچوب اقتصاد و بازار

در ابتدا باید دانست که اقتصاد رفتاری چیست و سپس برای نقد آن قلم به دست گرفت. اقتصاد رفتاری رشته‌ای می‌باشد از نوع اقتصاد نامتعارف که با روش علمی در فضای روانشناسی، فاکتورهای مربوط به احساسات و اجتماع را در تحلیل و فهم بازارها و عوامل اقتصادی در سطح خرد و کلان به کار می‌گیرد. در این حوزه، در سال ۲۰۱۷، جایزه نوبل اقتصاد به ریچارد تیلر اهدا شد.

در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به این بعد نامتعارف اقتصاد شده ولیکن این بعد، مانند هر سبک و روشی دارای مزایا و معایب متعدد می‌باشد. به همین سبب تلاش کرده‌ایم در این مقاله بیشتر به نقد این رویکرد بپردازیم.

هدف اقتصاد رفتاری ارائه مفاهیم واقعی‌تر از عوامل اقتصادی و نقد مدل انسان اقتصادی است. در این مدل، فرض بر این است که انسان موجودی است که فطرتاً سهم بیشتری از دارایی را به سهم کمتر از

“

منابع

- Kunreuther & McMorro. (2013). Insurance & behavioral economics.
- Katherine Baicker. Health Insurance Coverage and Take-Up

- گروه پژوهشی مطالعات کلان بیمه، (۱۳۹۹). کاربرد بینش‌های اقتصاد رفتاری در صنعت بیمه، شماره ۷۴

”

مغنا

گفته آدام اسمیت، عقلانیت دو نوع است. اولی مربوط به افراد و سازمان‌ها که شامل استفاده از دلایل موجود برای تجزیه و تحلیل و ارائه اقداماتی می‌شود که ممکن است اتخاذ شود و دومی مربوط به نظم موجود در سیستم است که شامل هنجارها و فرهنگ و قوانین نهادی و بیولوژیکی است و از تعاملات افراد به وجود می‌آید نه طراحی انسان آگاه. اقتصاددانان رفتاری براین باوراند که بازار نمی‌تواند به طور کامل منطقی باشد مگر اینکه نهادها به طور کامل منطقی باشند؛ از این رو دامنه تحقیقات را محدود به رفتار افراد می‌کند و هماهنگی موجود در بازار را نادیده می‌گیرد، هماهنگی‌ای که افراد غیرمنطقی را قادر می‌سازد اقتصاد را به سمت سود اجتماعی ببرند.

اقتصاد رفتاری توضیح نمی‌دهد که چرا باید به یافته‌های خود باور داشته باشند چون مردم از تعصبات شناختی رنج می‌برند. اقتصاددانان رفتاری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در واقع، اقتصاددانان رفتاری نمی‌توانند بین محدودیت‌های شناختی مردم و قضاوت‌های ذهنی خود به عنوان ناظران ماجرا، ترجیحات مردم را تشخیص دهند. در دستور کار تحقیقات اقتصاد رفتاری بررسی پدیده‌ها همراه با تعصبات است، حتی اگر روش تحقیق بر اساس استنتاج قوی باشد، به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که نتیجه‌گیری در ارتباط با کیفیت قضاوت‌های مردم انجام دهند، زیرا سوالات عمداً انتخاب شده‌اند تا آن‌ها را قادر به رد یا قبول یک فرضیه سازند.

ما در تحقیقات با افزودن فرضیات رفتاری به مدل، می‌توانیم امکان کنترل و پیش‌بینی را افزایش دهیم که این سیال بودن اقتصاد رفتاری گاهی موجب رسیدن به نتایج منطقی‌تر می‌شود اما همیشه این‌طور نبوده و نتایج دچار خطا و اشتباه نیز می‌شوند، همان‌طور که هنوز برای درک روح و ابعاد وجودی انسان راه طولانی در پیش داریم.



باز هم فرد را برای بقا در سیستم، مجبور به انتخاب‌های عقلایی می‌کند؛ مانند شرکتی که برای بقا در بازار باید تصمیمات خواه و ناخواه عقلایی بگیرد. بنابراین، حتی عوامل غیرمنطقی نیز تمایل دارند به صورت عقلانی پاسخ داده شوند؛ پس تحلیل اقتصادی به عقلایی بودن رفتار فرد بستگی نداشته و این بازار است که به عنوان یک مکانیسم انتخابی رفتار عقلایی را برمی‌گزیند.

اقتصاد رفتاری در حیطه ترجیحات فردی، آن را به نگرش‌های متفاوتی مانند حسادت، نوع‌دوستی و غیره، تقسیم‌بندی می‌کند و برای هرکدام تحلیلی متفاوت از رفتار عقلایی ارائه می‌دهد و منفعت شخصی را در نگرانی صرف برای عایدی خویش تعریف می‌کند. در صورتی که منفعت شخصی به این معنی نیست که شخص فقط به خودش اهمیت می‌دهد، بلکه سعی می‌کند به اهداف خود برسد. عقلانیت به این معناست که افراد آزادانه به نفع خود آن‌طور که درک می‌کنند عمل کنند و این درک از رفاه می‌تواند خودخواهانه، نوع‌دوستانه، وفادارانه، کینه‌توزانه و ... باشد. در مدل انسان اقتصادی مردم مطلوبیت خود را به حداکثر می‌رسانند اما منبع این رفتار مشخص نشده است و یا لازم نیست بطور گسترده مشخص شود.

مشکل بعدی اقتصاد رفتاری این است که عقلانیت فردی را با عقلانیت سیستمی اشتباه می‌گیرد؛ به عبارتی به طور ضمنی اگر مردم به نحوی تصمیمات منطقی‌تری بگیرند، جامعه در کل بهتر خواهد شد. با این حال، این ایده الزاماً درست نیست. همان‌طور که فیلسوفان اسکاتلندی اثبات کردند برای نتایج خوب اجتماعی لزومی بر رفتار خوب افراد نیست. در اقتصاد چیزی که مهم است نتیجه نهایی و حداکثر کردن سود و تولید است و نحوه تصمیم‌گیری فرد و انگیزه‌های او و قابلیت‌های وی اهمیتی برای ما ندارند. اما اقتصاد رفتاری با بررسی این موارد صرفاً ما را محدودتر می‌کند. در بازارها نکته کلیدی این است که علاوه بر عقلانیت فردی (ساخت‌گرایی) عقلانیت سیستمی (اکولوژی) وجود دارد که تضمین می‌کند بازارها به تعادل می‌رسند صرف نظر از اینکه افراد تصمیمات منطقی یا غیر منطقی می‌گیرند. به





“

منابع

- فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، نقد انتخاب عقلانی از منظر رویکردهای رقیب: اقتصاد رفتاری، آزمایشگاهی و علوم مغزی، عباد تیموری، محسن رنانی و عبدالحمید معرفی محمدی
- نقد اقتصاد رفتاری از دیدگاه اتریشی، مترجم: جعفر خیرخواهان

”

مغز